



هیأت قرآنی

هیأت قرآنی احیا علاوه بر انتشار مجلات خیمه، جدید و محیا به تولید کتاب و محصولات فرهنگی می پردازد.

شوال ۱۴۳۴
شهریور ۱۳۹۲

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
محمدرضا آثری
مدیر عامل و جانشین مدیر مسئول:
علی رضا یزدان طلب

شورای مشورتی:

جبار رحمانی، محسن حسام مظاهری
امیر عیسی ملکی، مسلم نادعلی زاده
تحریریه: پدram الوندی (سر دبیر)
محمدابراهیم ترقی نژاد، حامد طالبیان

نویسندگان:

حسن اسکندری، داود پهلوی، مهدی
جلیلی، سمیرا شاه قلی پور یا شیر آشیانی
حسین فرجی، سعیده محبی، زهره کهندل

گرافیک: سید عباس عماد حقی

طراح جلد: ماهرخ مفید نخعی

عکس: سروش شاکر

ویراستار: محسن فرجی

بازسیاس و بزه از:

بنیاد فرهنگی دعبل خزاعی

امیر عیسی ملکی و متین رضوانی پور

ضمیمه استانی بوشهر:

محسن شریفیان، محمود موجی
عبدالحمید دشتی فرد، نسا کروندی

نسیم کاهیر ده

چاپ: انتخاب رسانه

توزیع: نشر گستر امروز

۱۸ الگوسازی و الگوسوزی رسانه ها

۳۰ نوآوری لازمه رشد ادبیات آئینی است

۳۴ الزامات بازنگری و نگاه جدید به شعر آئینی

۳۶ تعزیه شهادت امام جعفر صادق (ع)

۲ سرمقاله

۱۰ تقویم تاریخ

۱۲ تنهایی تعزیه
گزارشی درباره کشاکش بنیادها
و انجمن ها

۱۸ الگوسازی و الگوسوزی

رسانه ها
میزگردی در مورد دبیرسی
وضعیت ستایشگری در جامعه
مداحی

۲۳ محتاط و دو پهلوی
مداحان و سیاست در انتخاب
یازدهم

۲۴ در انتظار یک اتفاق نورانی
امامزادگان میقات الرضا (ع)
راهنمای رهروان جاده
دلدادگی اند

۳۰ نوآوری لازمه رشد ادبیات
آئینی است
گفت و گو با علی معلم دامغانی

۳۲ مضامین اخلاقی در شعر آئینی
گفت و گو با حجت الاسلام
محمد جواد زمانی

۳۴ الزامات بازنگری و نگاه جدید
به شعر آئینی
گفت و گو با فاضل نظری

۳۶ تعزیه شهادت امام جعفر
صادق (ع)

۴۸ میراث شیخ: اهد
مصاحبه با پدال الله بهتاش، پیر غلام
اهل بیت (ع)

۵۲ نهضت قرآنی در راه است؟
گزارشی در مورد توسعه
مدارش قرآنی

۵۴ سر داد و نداد دست
در دست یزید
معرفی کتاب مناسک و آئین های
شیعی در هند



۸۴



۶۸



۴۸

نشانی: خیابان سمیه/نرسیده به خیابان استاد
نجات‌اللهی/پلاک ۲۴۱/طبقه چهارم
تلفن: ۷۳-۸۸۹۳۴۹۷۰
صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۹۴۱

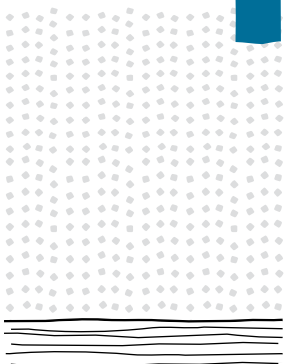
خیمه‌درویش و تلخیص مطالب ازاد است.
برگشت دادن مطالب رسالی امکان پذیر نیست.

پیامک بفرستید ۳۰۰۶۹۶۱

info@kheimeh.com

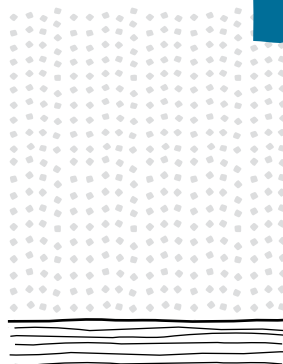
پرونده ویژه عزاداری سنتی در
بوشهر

۸۴



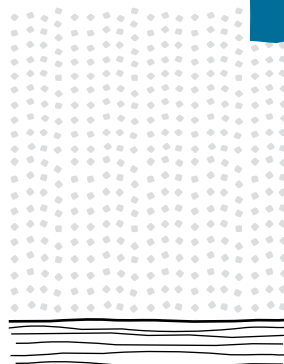
عاشورا پژوهی: دانشی بدون
دانشگاه

۶۸



مداحی هم احکام دارد

۴۸



سینه‌زنی سنتی بوشهر
وحدت کلام، وحدت آهنگ و
وحدت حرکت همه حکایت از
پیوستگی و همدلی عزاداران در
این سنت زیبا دارند

۸۰

آیین‌های ریشه‌دار بومی
گفت و گو با سید محمد جواد بسیج

۸۲

چلاب
سینه‌زنی واحد در اندیمشک

۸۴

عجوبه عالم مداحی
در باره مرحوم جهان‌بخش
کردی زاده ملقب به «بخشو»

۸۵

عاشورا پژوهی: دانشی بدون
دانشگاه
در باره وضعیت موجود و اقتضائات
رشته‌های بین رشته‌ای

۶۸

سفر به شهر بانوی صبر

۷۲

سینه‌زنی مردانه
آواها و آیین سوگواری در بوشهر

۷۵

مضمون بالا و سبک‌های فخیم
گفت و گو با مصطفی گراشی

۷۸

مناسک عزاداری، مهمترین
رسانه شیعیان هند است
گفت و گو با جبار رحمانی

۵۶

عزاداری شیعیان جنوب هند

۵۸

هدف شعر آئینی ابلاغ عظمت
ابا عبدالله است
سخنرانی عسگر شاه‌زاده
اردبیلی استاد شعر آئینی

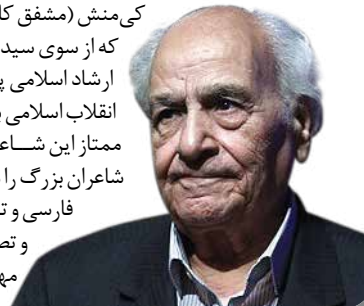
۶۰

قرآن کریم در سیره
امیر المؤمنین (علی ع)

۶۲

تجلیل رهبر معظم انقلاب از شعر و شخصیت مشفق کاشانی

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، با پیامی به همایش نکوداشت مشفق کاشانی از استاد عباس کی‌منش (مشفق کاشانی) تجلیل کردند. این پیام که از سوی سید محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی پیشین قرائت شد؛ رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به برخی ویژگی‌های ممتاز این شاعر برجسته کشور، تقدیر از شاعران بزرگ را موجب پیشرفت شعر و ادبیات فارسی و تشویق جوانان مستعد خوانند و تصریح کردند: یک خصوصیت مهم شعر آقای مشفق کاشانی،



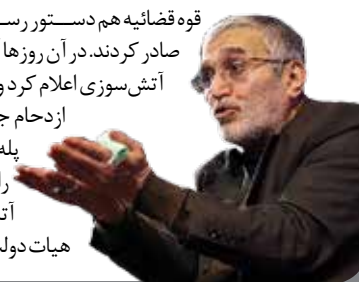
قرار گرفتن در خدمت اهداف دینی و انقلابی است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با تأکید بر آراستگی اخلاقی آقای مشفق کاشانی افزودند: شعر ایشان، چه اشعار مذهبی و آئینی و چه شعرهایی که درباره مسائل انقلاب گفته‌اند، همه از جمله شعرهای مفید و اثرگذار است. رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به سابقه آشنایی‌شان خاطر نشان کردند: جناب آقای مشفق هم از شعرای خوب زمان ما هستند و غزل ایشان، غزل پخته و مضمون‌دار و خوش اسلوبی است؛ یعنی یکی از غزل‌سرایان برجسته‌زمان ما جناب آقای مشفق هستند.

ایشان در پایان اظهار داشتند: ایشان یک انسان محترم و آراسته به اخلاق خوب، به رفتار خوب محسوب می‌شوند و مادر طول این حدود سی و چند سال که با ایشان آشنا هستیم و مرتبطیم و از ایشان شنیدیم و گاهی با ایشان نشست و برخاست کردیم، همیشه این رفتار را از ایشان ملاحظه کردیم.

احضار ارضی به دادسرای جنایی

۲۸ بهمن سال ۸۳ همزمان با ایام محرم بود که خبری دلخراش، عزاداران حسینی را متأثر کرد. در آن روز، در حین برگزاری نماز مغرب بر اثر سنگینی برف‌های جمع شده روی سقف برزنتی حیاط مسجد ارک، سقف برزنتی روی بخاری بزرگ گازی افتاد و آتش گرفت. این حادثه موجب آتش‌سوزی بزرگی شد که در این رخداد ۹ نفر جان باخته و ۳۵۰ عزادار حسینی مجروح شدند. مقام معظم رهبری بعد از این حادثه پیام تسلیتی برای بازماندگان صادر و برای مجروحان آرزوی سلامتی کردند. آیت الله هاشمی شهردی رئیس وقت قوه قضائیه هم دستور رسیدگی فوری به این پرونده را صادر کردند. در آن روزها آتش‌نشانی نشن نفت راعلت آتش‌سوزی اعلام کرد ولی رئیس شورای شهر تهران از دحام جمعیت و طراحی نامناسب پله‌های بخش زنانه مسجد ارک را سبب بالا رفتن آمار تلفات آتش‌سوزی دانست. همچنین هیأت دولت با ابراز تأسف از این حادثه



به منظور بررسی حادثه و رسیدگی فوری به وضعیت مجروحان و آسیب‌دیدگان حادثه، کار گروهی متشکل از وزارت خانه‌های کشور، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و رفاه و تامین اجتماعی تشکیل داد که موضوع را سرعاً بررسی و گزارش لازم را به دولت ارائه کنند.

بعد از ۴ سال هیأت وزیران بنا به پیشنهاد وزارت دادگستری، مبلغ ۴۷۸ میلیون ریال از محل اعتبار هزینه‌های پیش‌بینی نشده قانون بودجه سال ۸۷ کل کشور به منظور پرداخت دیه ۹ نفر باقیمانده از مصدومان حادثه آتش‌سوزی مسجد ارک تهران در اختیار وزارت دادگستری قرار داد تا پس از مبادله موافقتنامه با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری برابر قوانین و مقررات مربوط هزینه کند.

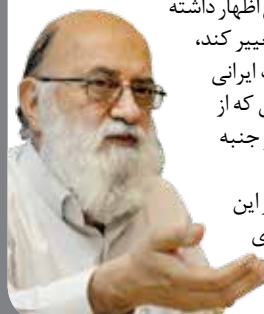
حالا ۹ سال از این حادثه می‌گذرد. اما براساس اخبار شنیده شده حاج منصور ارضی به دادسرای ویژه جنایی تهران احضار شده است. فرهاد شهبازوار وکیل حاج منصور ارضی در این باره گفته است که اطلاعی از روند بررسی آن ندارد و از دادن اطلاعات خودداری کرده است اما شنیده‌ها حاکی از آن است که باز پرس این پرونده فردی به نام شهبازی است که چندی پیش حاج منصور ارضی در دفتر وی حاضر شده است.

طرح «تهران سرای قرآن» مورد قبول شورای شهر نیست

رئیس شورای اسلامی شهر تهران طرح و مکان پروژه «تهران سرای قرآن» را مورد قبول شورای شهر ندانسته و گفته است که سازمان توسعه فضاهای فرهنگی در حال بررسی این طرح برای نزدیک کردن به نظرات شورای اسلامی شهر تهران است.

مهدی چمران که در نشست خبری تشریح بر نامه‌های سومین دوره شورای شهر اسلامی شهر تهران سخن می‌گفت در تشریح عملکرد این شورا در ایجاد شهری ایرانی اسلامی اظهار داشته است: فرهنگ معماری شهر ما باید تغییر کند، معماری‌های شهر تهران از فرهنگ ایرانی اسلامی به دور هستند و ساختمان‌هایی که از سال ۱۳۱۰ تاکنون ساخته شده‌اند بیشتر جنبه غربی دارند.

وی در پایان گفته است که مصوبه‌ای در این زمینه طراحی شده و در تلاش برای اجرای آن هستند تا هر فردی نتواند از هر نمایی در ساختمان استفاده کند.



موسوی گرمارودی از چاپ سوم دفتر اول هفتگانه‌اش خبر داد

مجموعه «خواب ارغوانی» که شامل شعرهای سیدعلی موسوی گرمارودی با محوریت دفاع مقدس است، به چاپ سوم رسید. سیدعلی موسوی گرمارودی، شاعر و مترجم قرآن کریم در گفت‌وگویی اظهار کرده است که مجموعه‌ای هفت‌گانه در دست انتشار دارد که مجموعه اول آن با نام «خواب ارغوانی» با مضمون دفاع مقدس برای انتشار به سوره مهر سپرده شده است که به زودی چاپ سوم آن منتشر می‌شود.

موسوی گرمارودی با بیان اینکه همه اشعار این مجموعه پیش از این و از آغاز انقلاب اسلامی و در طول جنگ تحمیلی سروده شده بود، ادامه داده است که این اشعار به شکل متفرق و در مجموعه‌های دیگرش منتشر شده بود که به درخواست حوزه هنری، آنها را تفکیک کرده است.



رئیس پژوهشکده دانشنامه‌نگاری دینی یکی از ویژگی‌های این نرم‌افزار را ساده و قابل فهم بودن مقالات آن برای انواع مخاطبان و دسترسی آسان به بخش‌های مختلف و مدنظر مخاطب به شمار آورد. لازم به ذکر است که این نرم‌افزارها از صفحه نخست سایت پژوهشکده دانشنامه‌نگاری دینی قابل دریافت است.



تهیه نرم‌افزار موبایلی دانشنامه‌های فاطمی و امام علی (ع)
رئیس پژوهشکده دانشنامه‌نگاری دینی از تهیه نرم‌افزار دانشنامه فاطمی (س) و امام علی (ع) برای تلفن همراه خبر داد و گفت: این نرم‌افزارها در دو نسخه جاوا و اندروید تهیه شده و از طریق وبسایت پژوهشکده به صورت رایگان قابل دریافت است.

حجت‌الاسلام ابوالقاسم مقیمی حاجی رئیس پژوهشکده دانشنامه‌نگاری دینی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ادامه است: با وجود اینکه هنوز دانشنامه فاطمی به مرحله نهایی نرسیده و رونمایی از متن کامل آن به ابتدای پاییز خواهد رسید، چکیده مقالات این مجموعه در قالب نرم‌افزار آماده شده و به صورت رایگان در اختیار مخاطبان قرار گرفته است. وی افزود: خلاصه بیش از ۱۱۰ مقاله دانشنامه امام علی (ع) براساس ۱۲ مجلد کتاب و مقالات سه جلد ابتدایی دانشنامه فاطمی در این نرم‌افزار گنجانده شده است و مخاطب به راحتی می‌تواند مقالات مدنظر خود را پیدا کند.

از نماز صبح در حرم حضرت سیدالشهدا (ع) در ۸۰ سالگی جان به جان آفرین تسلیم کرد. این مناجات خوان حرم کریمه اهل بیت (س) درخواست کرده بود که در حرم حضرت معصومه (س) دفن شود که چندی پیش حجت‌الاسلام سعیدی تولیت حرم مطهر با این درخواست موافقت کرد.



در گذشت مناجات خوان حرم حضرت معصومه (س) در کربلای معلی
حسن کوچک‌زاده مناجات خوان حرم حضرت معصومه (س) در سن ۸۰ سالگی پس از اقامه نماز صبح در حرم حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) دعوت حق را لبیک گفت.

سیداحمد شمس از مداحان پیشکسوت بارگاه ملکوتی حضرت فاطمه معصومه (س) در خصوص شخصیت مرحوم حسن کوچک‌زاده گفته است: حاج حسن کوچک‌زاده از نظر مسائل اخلاقی و شرعی زباند بود، من لازم است بگویم ایشان حتی یک مکروه انجام نمی‌دادند که این نشان از مراقبت‌های خاص پدر بزرگوارشان بود.

این ذاکر اهل بیت (ع) ادامه داد: ایشان سلیقه بسیار خوبی در انتخاب شعر داشت و بهترین اشعار را با صدایی زیبا قرائت می‌کرد به طوری که تحسین شنوندگان را برمی‌انگیخت.

مرحوم حاج حسن کوچک‌زاده چند روز گذشته به نجف اشرف مشرف شد و پس از زیارت حرم مطهر امیرالمؤمنین (ع) و حرم حضرت ابوالفضل (ع) پس

آلبوم «یک خیابان سهم یک افسانه نیست» منتشر شد



تازه‌ترین آلبوم موسیقایی اندیشه فولادوند با عنوان «یک خیابان سهم یک افسانه نیست» به آهنگسازی کارن همایون‌فر با مضمون دفاع مقدس منتشر شد. علیرضا عزیزی تهیه‌کننده این آلبوم در خصوص این اثر گفته است: این آلبوم که قبلاً با عنوان «شلیک کن رفیق» به مخاطبان معرفی شده بود کار بسیار متفاوتی است که به نوعی تلفیقی از ادبیات و موسیقی و بیانگر سه فضای متفاوت از جنگ، مذهب و اجتماع است که با صدای صادق آهنگران آغاز و رفته رفته به سمت یک فضای اجتماعی روز جامعه هدایت می‌شود. این روند با آهنگسازی ماهرانه کارن همایون‌فر و اجرای خوب اندیشه فولادوند شکل جدیدی را به مخاطبان ارائه می‌دهد. تهیه‌کننده این آلبوم موسیقایی عنوان کرد: این آلبوم به دلیل آهنگسازی خوبی که دارد کار را به یک اثر سینمایی تبدیل کرده که با بهره‌گیری از ادبیات می‌تواند تا مدت‌ها مورد پسند مخاطبان قرار گیرد.

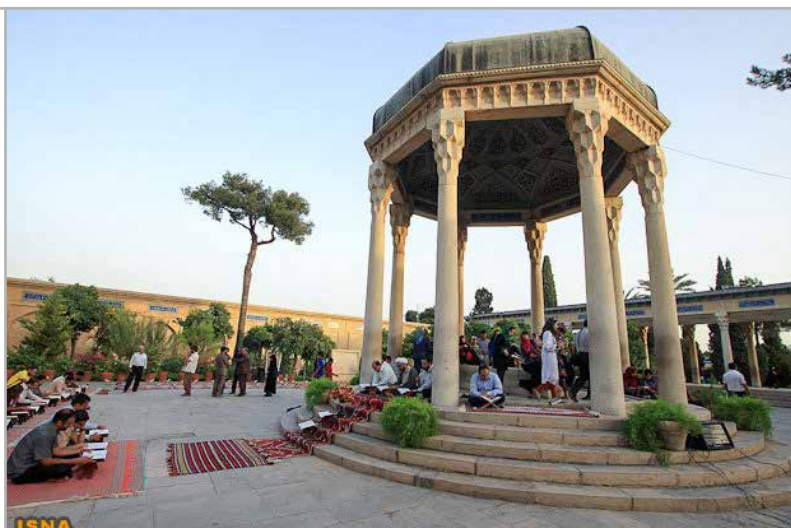
۱۸ مرداد ماه نماز عید فطر در دانشگاه تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی برگزار شد. این نماز، اولین نماز عید فطر حسن روحانی در کسوت ریاست جمهوری است.



جمعی از فضلا و علمای قم از جمله اعضای دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، جامعه مدرسین و مدیریت حوزه علمیه با حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری منتخب ملت ایران در دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری در قم دیدار و گفت و گو کردند.



حافظ که همیشه دیوانش در کنار قرآن بر سر طاقچه همه ایرانیان بوده، حال این بار خود میزبان محفلی گرم و صمیمی با حضور قاریان کشور شده است. شمس الدین محمد که اسم و تخلص اش و ام دار حافظ قرآن بودنش است، حال بر سر مزارش، محفلی برای انس با قرآن و حافظش ترتیب داده شده است.





در روزهای پایانی ماه مبارک رمضان، ستاد استهلال فعالیت‌های خود را آغاز می‌کند و شروع به رصد آسمان شهرهای کشور می‌کند تا ماه شوال را رویت کرده و خبر فرارسیدن عید فطر را به روزه‌داران بدهد. ستاد استهلال از چهارشنبه ۱۶ مردادماه در سراسر کشور مستقر شدند و سرانجام در پنج‌شنبه ماه شوال توسط ستاد استهلال رویت شد.



آیین نکوداشت شاعر معاصر عباس کی‌منش (مشفق کاشانی) با حضور سید محمد حسینی، وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از اساتید شعر و هنر عصر روز دوشنبه ۲۱ مردادماه در تالار وحدت برگزار شد. این مراسم با اکران کلیپی از بیانات رهبر درباره مشفق کاشانی که در دهم تیرماه امسال فرموده بودند، آغاز شد. در ادامه اساتید شعر و هنر به ترتیب طبق وقت محدود خود به معرفی آثار و شخصیت این شاعر بزرگ پرداختند و آقایان گلریز و مختاباد اشعاری از مشفق کاشانی را خواندند.

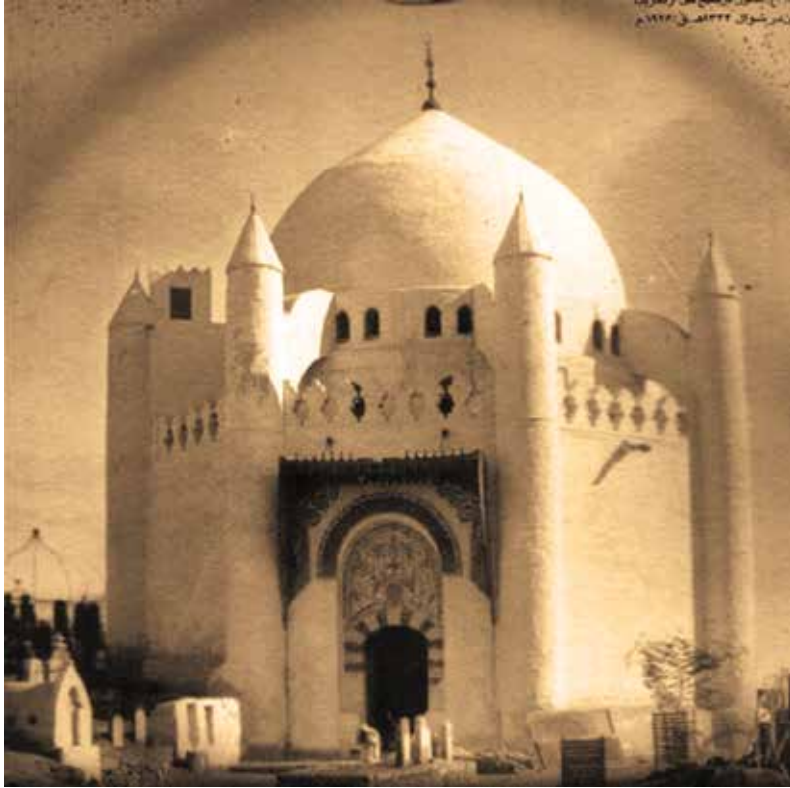


نماز گزاران در روز جهانی قدس، که نظم و اتحادشان نشان از استحکام و وحدت مسلمانان در برابر ظلم جهانی به مردم فلسطین است. روزه‌داران تهرانی در ۱۱ مردادماه که آخرین جمعه ماه رمضان است همچون هر سال بعد از تظاهرات و حمایت از مسلمانان لبنان و فلسطین به نماز ایستادند.



سعید حدادیان مداح اهل بیت در مراسم تحلیف دکتر حسن روحانی در ۱۳ مردادماه در مجلس شورای اسلامی در میان مهمانان حضور داشت.

هشتم شوال: تخریب بقیع به دست آل سعود



■ حسن اسکندری ■

ام المؤمنین را ویران کردند و زادگاه پیامبر (ص) و فاطمه زهرا (س) را با خاک یکسان کردند و آنگاه که وارد جده شدند، گنبد و قبر حوّا (س) را خراب کردند و به طور کلی، تمام مقابر و مزارات را در مکه، جده، طائف و نواحی آن ویران نمودند و زمانی هم که مدینه منوره را محاصره کردند، به ویران کردن مسجد و مزار حضرت حمزه (ع)، پرداختند.

پس از تسلط بر مدینه منوره، قاضی القضاات وهابیان، شیخ عبدالله بن بلهید، در رمضان ۱۳۴۴ هجری قمری از مکه به جانب مدینه حرکت و اعلامیه ای صادر و جواز ویران کردن گنبدها و زیارتگاهها را از مردم سؤال کرد که بسیاری از مردم از ترس به آن پاسخ نداده و برخی نیز لزوم ویران کردن را خواستار شده بودند! در خصوص انگیزه وی از این نظر خواهی با توجه به زمینه اعتقادی و انگیزه قوی و تصمیماتی که سران وهابیت از قبل گرفته بودند جای بحث فراوان است، ولی در مجموع می توان این گونه استنباط کرد که با طرح موضوع، قصد داشتند که ضمن اطلاع رسانی به مردم، در خصوص جنایت و فجایعی که قصد انجام آن را دارند، عکس العمل احتمالی را ارزیابی و پیش بینی کرده و با اتخاذ تمهیدات لازم از هزینه های این عمل و حشیانه بکاهند.

مرحوم سید امین در این خصوص می گوید: «با توجه به اینکه تخریب مقابر و مشاهد، اساس عقیده وهابیان است و در وجوب از بین بردن این آثار و حتی حرم شریف نبوی (ص) کوچک ترین تردید نداشتند، از این رو منظور شیخ بلهید از

شوال یادآور حادثه ای تلخ برای جهان اسلام است؛ واقعه ای که طی آن قبور اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و اصحاب پیامبر (ص) به همراه آثار پرارزش به جای مانده از روزگار صدر اسلام توسط پیروان فرقه وهابیت تخریب شد.

آنچه از قدیمی ترین مدارک تاریخی تاکنون به ما رسیده است چنین نشان می دهد که محل قبرستان کنونی پوشیده از درخت های خود رو بوده است که بدین خاطر آنرا «بقیع الغرقه» می خوانده اند، اولین کسی که در آن به امر رسول خدا (ص) دفن شده عثمان بن مظعون بوده است. وقتی آن حضرت عثمان بن مظعون را دفن کرد به اطراف قبر اشاره نموده چنین فرمود: «این منطقه هم برای اهل بیت من باشد». بعد از این ماجرا وقتی فرزندان ابراهیم از دنیا رفت حضرت دستور فرمودند که در کنار قبر عثمان بن مظعون او را دفن نمایند.

آل سعود با تکمیل سلطه خود بر حجاز در شوال سال ۱۳۴۴ هجری قمری کلیه این بناها و گنبدها و آثار را ویران و اموال و اشیای گران قیمت موجود در این اماکن را به تاراج برده و نه تنها در مدینه، بلکه هر جا گنبد و بارگاه و زیارتگاهی بود، آن را ویران کردند. مرحوم سید محسن امین، ابعاد ویرانی های وهابیان در حجاز را این گونه بیان می کند:

«وقتی وهابیان وارد طائف شدند، گنبد مدفن ابن عباس را خراب کردند، آنان هنگامی که وارد مکه شدند، گنبدهای قبر عبدالمطلب، ابوطالب و خدیجه



شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِحَقُّونَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَهْلِ بَقِيعِ الْغَرَقِدِ، اللَّهُمَّ لَا تُحَرِّمْنَا أَجْرَهُمْ وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُمْ، وَاغْفِرْ لَنَا وَلَهُمْ.»
وی در کتاب معروف «الفتاوی الهندیة» که نظریه علمای اهل سنت هند را بیان نموده و مورد اتفاق جمیع علماء اهل سنت است استحباب زیارت قبرستان بقیع را این چنین بیان می کند که: از جمله مشاهد و مزارات در مدینه قبر حمزه سید الشهداء و قبه و بارگاه عباس عموی پیامبر است که در آن قبه، قبر حسن بن علی و زین العابدین و فرزندش محمد باقر و امام جعفر صادق می باشند.

«فتاوی الهندیة» و زیارة البقیع

«و یستحب أن یخرج بعد زیارت علیه السلام إلى البقیع فیأتی المشاهد و المزارات خصوصاً قبر سید الشهداء حمزة» رضی الله عنه «و یزور فی البقیع قبة العباس و فیها معه الحسن بن علی و زین العابدین و ابنه محمد بن الباقر و ابنه جعفر الصادق و قبة امیر المؤمنین عثمان و قبة ابراهیم ابن النبی صل الله علیه و آله و سلم و جماعة من ازواج النبی صل الله علیه و آله و سلم و عمته صفیة و کثیراً من الصحابة و التابعین «رضی الله عنهم اجمعین» و یصلی فی مسجد فاطمة «رضی الله تعالی عنها» بالبقیع و یستحب أن یزور شهداء أحد یوم الخمیس.»

جالب این است که تمام کسانی که استحباب زیارت قبرستان بقیع را متذکر شده و یا نحوه دعا و زیارت را ذکر نموده اند در بیان کیفیت ورود به قبرستان بقیع از قبه و بارگاه های آن عهد و آن روزگار هم ذکری و نامی به یادگار گذاشته اند که ابدالدهر ننگ آن جنایت عظمی و آن اقدام شرر بار تخریب، از دامان وهابیت پاک نخواهد گردید. ■

این سوال، سوال حقیقی نبود، بلکه هدف از آن جلب نظر مرد مدینه و نوعی تسلی خاطر و دلجویی از آنان بود.

آنان پس از نشر این اعلامیه و سوال و جواب، همه گنبد ها و زیارتگاه ها را در مدینه و اطراف آن ویران و حتی گنبد ائمه اهل بیت علیهم السلام را در بقیع، که قبر عباس عموی پیامبر (ص) نیز در کنار آنها بود، خراب کردند و دیوارها، صندوق ها و ضریح هایی را که روی قبرهای شریف قرار داشت، از بین بردند، و در این زیارتگاه ها، جز تلی سنگ و خاک، به عنوان علامت باقی نگذاشتند.

این اقدام در هشتم شوال ۱۳۴۴ هجری قمری انجام شد و به کارگردانی که این عمل ننگین را انجام دادند مبلغ هزار ریال مجیدی دستمزد پرداخت کردند. از جمله تخریب ها از میان بردن گنبد مرقد عبدالله و آمنه علیهما السلام، پدر و مادر حضرت رسول خدا (ص)، نیز مزار همسران آن بزرگوار و قبر عثمان بن عفان و قبر اسماعیل بن جعفر فرزند امام صادق (ع) بود و به طور خلاصه تمام مزارات مدینه و اطراف آن را خراب کردند. پیش از آن نیز قبر حمزه (ع) عموی پیامبر (ص) و قبور بقیه شهدای احد را از بین برده بودند و از آنان جز مشتی خاک بر جای نمانده بود.»

استحباب زیارت قبرستان بقیع

در رابطه با استحباب زیارت قبرستان بقیع روایاتی را که در کتب حدیث و فقه بدان استدلال گردیده با استفاده هایی که محدثین اهل سنت از این آنها نموده اند، ذکر می کنیم.

مسلم در کتاب «صحیح» چنین روایت می کند:
«حدثنا یحیی بن یحیی التمیمی و یحیی بن ایوب و قتیبة بن سعید قال یحیی بن یحیی أخبرنا و قال الآخران حدثنا اسماعیل بن جعفر عن شریک و هو ابن ابی نمر عن عطاء بن یسار عن عائشة أنها قالت کان رسول الله صل الله علیه و آله و سلم کلماً کان لیلتها من رسول الله صل الله علیه و آله و سلم یخرج من آخر اللیل إلى البقیع فیقول السلام علیکم دار قوم مؤمنین و اتاکم ما توعدون غداً مؤجلون و انا ان شاء الله بکم لاحقون اللهم اغفر لأهل بقیع الغرقد.»

قال النووی فی الشرح: و فی هذا الحدیث دلیل لاستحباب زیارة القبور، و السلام علی أهلها و الدعاء لهم و الترحم علیهم. و قولها «یخرج من آخر اللیل الی بقیع» فیہ فضیلة زیارة قبور البقیع.»

نووی شارح صحیح مسلم برای عمل پیامبر اکرم (ص) در رفتن به قبرستان بقیع فضیلتی خاص قائل است و همان طوری که ذکر شد ابتداء استحباب و بعد فضیلت رفتن به آن مکان مقدس را بیان می نماید. جا دارد گفته شود آن گاه که پیامبر اکرم (ص) به قبرستان مشرف می شدند هنوز بنی هاشم و ائمه طاهرين از اهل بیت در آن خاک نیارامیده بودند و اولاد طاهرينش پس از تحمل شدائد و مصائب در آن سرزمین مقدس مدفون نگشته بودند.

نووی در کتاب دیگرش «شرح مذهب» چنین می گوید:
«انه یستحب الخروج کل یوم إلى البقیع، و یكون ذلک بعد السلام علی رسول الله صل الله علیه و آله و سلم فإذا انتهی إلى البقیع قال السلام علیکم دار قوم مؤمنین، أنتم السابقون، و انا ان شاء الله بکم لاحقون.»

تنهایی عزیه

در کشاکش بنیادها و انجمن‌ها

■ محمدابراهیم ترقی نژاد ■



«بنیاد علمی فرهنگی تعزیه و همایش‌های آئینی» در کنار میدان شهید «بهران» و بوستانی به همین نام، روزهای نه‌چندان پرکاری را پشت سر می‌گذارند. از مرد جوانی که با لباس پارکبانی در پارک مشغول قدم‌زدن است و در کنار فرهنگسرای بهاران و اندکی آن‌سوتر از بنیاد تعزیه ایستاده، نشانی بنیاد تعزیه را می‌پرسم. با دست آنجا را نشان می‌دهد و البته با ته‌خنده شیطنت‌آمیزی می‌گوید: «بنیاد تعزیه را نمی‌شناسد.»

«بنیاد علمی فرهنگی تعزیه و همایش‌های آئینی» در منطقه ۱۷ شهرداری تهران و در جنب ورزشگاه الزهرا (س) قرار دارد؛ ساختمانی با نمای سفید مرمری و البته به شکلی کاملاً ساده. وقتی به داخل بنیاد پامی‌گذاری بر خلاف نمای ساده‌اش با مجموعه‌ای مجهز و البته شیک و مدرن روبه‌رو می‌شوی. مردی تقریباً ۴۰ ساله در همان ابتدای مجموعه و در قسمت «اطلاعات» نشسته است و در کنار نگهبان بودن، راهنما و سرایدار بنیاد نیز هست، می‌پرسد که چه می‌خواهم ظاهر! اگر هماهنگی صورت نگرفته باشد فقط می‌توانم تا همان در ورودی پیشروی کنم و دیگر امکان جلو رفتن وجود ندارد. بنیاد تعزیه محلی است که با هدف ساماندهی و جهت‌دهی تعزیه و البته کمک به تعزیه و تعزیه‌سرایان تاسیس شده است و در روزهای نخستین تاسیس، قرار بود تبدیل به پاتوقی برای تعزیه‌سرایان شود. اینک مدیران آن در آخرین روزها و ساعات کار شهردار فعلی تهران، چشم به انتظار نشستگان تا ببینند همای ریاست در شورای شهر بر سر چه کسی می‌نشینند و چه کسی کلید ساختمان بهشت را دست می‌گیرد تا با شروع دوره جدید شورای شهر و شهرداری بتوانند خود را از میان انبوهی از مسائل و مشکلات برهانند.

سازمانی با عنوانی پر طمطراق و ادعایی بزرگ

«بنیاد علمی فرهنگی تعزیه و همایش‌های آئینی» در سال ۱۳۸۹ با هدف ساماندهی تعزیه و دیگر سنت‌ها و آئین‌های بومی و البته علمی کردن این هنر ایرانی - اسلامی و زنده نگه داشتن دیگر آئین‌های ایرانی با کمک معاونت اجتماعی فرهنگی شهرداری تهران به شکلی مردم‌نهاد و نه غیر دولتی تاسیس شده است. اینها صحبت‌های ابتدایی حسن محمدباقر است که وقتی درباره بنیاد تعزیه از وی سوال می‌کنم، این‌گونه بنیادی را که خود از موسسان و پایه‌گذاران آن بوده است و هم‌اینک مدیرعاملی آن را بر عهده دارد، تعریف و توصیف می‌کند.

محمدباقر درباره اهمیت و ضرورت تاسیس بنیاد تعزیه می‌گوید: «من خودم از بچگی تا کنون تعزیه اجرا می‌کردم و خود را از خانواده تعزیه می‌دانم. متأسفانه حق تعزیه آنچنان که باید و شاید، چه قبل

از پیروزی انقلاب اسلامی و چه بعد از آن ادا نشده است و می‌دیدم که این هنر والای ایرانی - اسلامی رو به انحطاط می‌رفت. بنابراین من و تعدادی از بزرگان تعزیه در ایران بر آن شدیم محلی را تاسیس کنیم تا تعزیه را از این سقوط و سراسیمگی خارج کنیم.»

صحبت‌های محمدباقر در حالی عنوان می‌شود که تعدادی از بزرگان تعزیه حرف‌هایی خلاف جهت وی می‌گویند. وقتی از مظفر قربان‌نژاد که از تعزیه‌سرایان بنام تهران است، درباره بنیاد تعزیه سوال می‌کنم، می‌گوید که تا مدت‌ها از وجود چنین بنیادی بی‌خبر بوده است و البته هم‌اینک نیز از فعالیت‌های آن خبر ندارد. وی می‌گوید: «من تا مدت‌ها از ثبت، ضبط و فعالیت بنیاد تعزیه اطلاعی نداشتم و اصلاً نمی‌دانستم که چنین بنیادی تاسیس شده است تا اینکه یکی از دوستانی که در کار تعزیه است، یک روز به خانه من آمد و مرا از وجود چنین بنیادی آگاه کرد.»

قربان‌نژاد در ادامه می‌گوید: «وقتی من از وجود چنین بنیادی آگاه شدم، به شگفت آمدم. مگر می‌شود بنیادی با هدف ساماندهی تعزیه به وجود آمده باشد و هر جایی هم که می‌رود بگوید با کمک تعزیه‌سرایان و اهالی تعزیه به وجود آمده است در حالی که منی از خانواده تعزیه هستم و حدود ۵۰ سال است که در آن فعالیت می‌کنم از آن خبر نداشته باشم. وقتی هم به سایر دوستانی که از اهالی تعزیه هستند از وجود چنین بنیادی خبر دادم، آنها هم خبر نداشتند و از متعجب شدند.»

دکتر محمدرضا سنگری نیز از وجود چنین بنیادی اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و می‌گوید: «تا زمانی که شما با من تماس نگرفته بودید تا کنون حتی یک بار اسم این بنیاد را به گوش نشنیده بودم و از وجود چنین بنیادی خبر نداشتم.» وی می‌افزاید: «این بنیاد در چه زمانی و با چه بودجه‌ای و از طریق چه کسانی تشکیل شده است و باید بگویند حالا که مدعی بزرگان تعزیه آن را تشکیل داده‌اند، کدام بزرگان تعزیه به تشکیل آن مبادرت ورزیده‌اند.»

یکی دیگر از پژوهشگران تعزیه و رسوم آئینی نیز درباره ضرورت تاسیس بنیاد تعزیه این‌گونه می‌گوید: «من به هیچ وجه نمی‌دانم که بنیاد علمی فرهنگی تعزیه و همایش‌های آئینی بر اساس چه ضرورت‌هایی و بر پایه کدام اهدافی ایجاد شده است.»

در برابر این انتقادات اما حسن محمدباقر حرف‌هایی دیگر می‌زند: «من فکر نمی‌کنم هیچ کس نسبت به اینکه باید نهادی تشکیل شود و به سر و سامان دادن وضعیت آشفتنه و نگران‌کننده تعزیه بپردازد شکی داشته باشد. هدف ما هم وقتی که خواستیم این بنیاد را تشکیل بدهیم همین ساماندهی به تعزیه بود.» محمدباقر در ادامه از کسانی چون علاءالدین قاسمی، رضا حیدری، مرتضی صفاریان، حسین



بنیاد تعزیه محلی است که با هدف ساماندهی و جهت‌دهی تعزیه و البته کمک به تعزیه و تعزیه‌سرایان تاسیس شده است و در روزهای نخستین تاسیس، قرار بود تبدیل به پاتوقی برای تعزیه‌سرایان شود. اینک مدیران آن در آخرین روزها و ساعات کار شهردار فعلی تهران، چشم به انتظار نشستگان تا ببینند همای ریاست در شورای شهر بر سر چه کسی می‌نشینند و چه کسی کلید ساختمان بهشت را دست می‌گیرد تا با شروع دوره جدید شورای شهر و شهرداری بتوانند خود را از میان انبوهی از مسائل و مشکلات برهانند.

جعفری، قاسم هادی پور و سید محمدرضا تقی زاده به عنوان اعضای هیات امنای بنیاد یاد می کنند که به ساخت و تشکیل این بنیاد مبادرت ورزیده اند.

حفظ و صیانت از میراث معنوی ایران اسلامی، احیا و توسعه هنر دینی و ایرانی تعزیه و بسط فعالیت های فرهنگی و مذهبی، ایجاد مرکز علمی فرهنگی تعزیه و همایش های آئینی، ایجاد مرکز تعامل، ارتباطات فرهنگی و انجمن های پیشکسوتان، متخصصین و علامه مندان در حوزه فعالیت های هنر دینی مراسم آئینی و تعزیه از جمله مهمترین اهدافی است که بنیاد تعزیه در اساسنامه خویش به آن اشاره کرده است. اما صاحب نظران و اهالی تعزیه درباره اهداف بنیاد چیز دیگری می گویند. مسلم نادعلی زاده یکی از تعزیه پژوهان جوان است که مدتی هم با این بنیاد همکاری کرده و دبیری شورای عالی پژوهش آن را بر عهده داشته است. نادعلی زاده درباره اهداف بنیاد تعزیه می گوید: «بنیاد تعزیه برای خود اهدافی را تعریف کرده است و آنها را به روی کاغذ آورده که رسیدن به آنها بسیار زیباست ولی در مقام عمل رسیدن به آنها بسیار سخت و به عبارت دیگر، غیر عملی است.» وی درباره رسالت و اهدافی که این بنیاد باید برای خویش تعریف کند، این گونه می گوید: «بهتر است بنیاد به جای تعریف اهداف کلان انتزاعی برای خودش اهداف خرد و عملی تری مانند پژوهش درباره اشعار آئینی را تعریف کند.»

محسن حسام مظاهری هم درباره اهدافی که بنیاد تعزیه می تواند داشته باشد، می گوید: «بنیاد تعزیه می تواند در راستای اهدافی که برای خود تعریف می کند از تجربیات بنیادها و سازمان های مشابه استفاده کند. یکی از این سازمان ها، بنیاد دعبیل خزاعی است. این بنیاد در سال های آغاز به کار خود، رسالتش را خدمات رسانی به پیرغلامان تعریف کرده بود و پس از اینکه توانست به هدف خویش دست پیدا بکند، به حوزه های دیگر نیز مانند امور آموزشی و پژوهشی پرداخت و آنها را در دستور کار خود قرار داد.»

اما حسن محمدباقر مدیر عامل این بنیاد درباره اهداف سازمان متبوعش نظری بر خلاف کارشناسان دارد. وی درباره اهداف بنیاد تعزیه می گوید: «بنیاد برای خود اهداف کلان و بلندمدتی را تعریف کرده است که باید حتما صورت بگیرند. یادمان باشد که دستیابی به آنها زمان بر است و نمی شود گفت چون زمان بر هستند آنها را تعطیل بکنیم. از طرف دیگر هم باید به این مسئله توجه کنیم که کار فرهنگی کردن، نیازمند بودجه و تامین مالی و امکانات بسیار است که اگر این امکانات و تامین مالی صورت نپذیرد کار را برای ما سخت می کند.» وی درباره بودجه و تامین مالی بنیاد نیز می گوید: «ساختمان

بنیاد را از طریق معاونت اجتماعی فرهنگی شهرداری تهران و با مساعدت آقای سید هادی ایازی گرفتیم. این تنها کمکی بوده که شهرداری به ما کرده است. از نظر بودجه هم باید بگویم که ما تا الان بر خلاف توافقاتی که با شهرداری تهران داشتیم و قرار بود آنها به ما کمک هایی بکنند هیچ مبلغی از آنها دریافت نکردیم. هر کاری هم که از سوی بنیاد انجام شده تا کنون از طریق هزینه شخصی بنده یا اعضای هیات مدیره صورت گرفته است.» محمدباقر کمک های مردمی را یکی دیگر از منابع مالی بنیاد تعزیه می شمارد اما در خصوص اینکه تا

کنون به چه میزان به این بنیاد کمک مردمی شده است، پاسخی نمی دهد.

آموزش تعزیه از حرف تا عمل

کلاس های آموزشی در حوزه های مختلف تعزیه، نشست های متعدد هم فکری با حضور بزرگان این حوزه، برگزاری کارگاه های عملی و همایش تجلیل از بزرگان تعزیه، تشکیل خانه میراث آئینی در کاخ موزه نیاوران، تجهیز قسمت های مختلف بنیاد، تشکیل کتابخانه تخصصی تعزیه، تشکیل گروه ملی تعزیه و برگزاری مراسم متعدد تعزیه و دیگر هنرهای آئینی از جمله اقداماتی هستند که حسن محمدباقر در تشریح فعالیت های صورت گرفته توسط بنیاد تعزیه نام می برد.

محمدباقر در این زمینه می گوید: «با توجه به طول عمر اندکی که از تشکیل و راه اندازی بنیاد می گذرد و با تمام مشکلاتی نظیر مشکلات مالی می بیند که بنیاد توانسته است اقدامات خوبی در زمینه تعزیه و هنرهای آئینی داشته باشد.» اما باز کارشناسان درباره اقدامات صورت گرفته توسط بنیاد چیز دیگری می گویند. مظفر قربان نژاد درباره اقدامات صورت گرفته توسط بنیاد این گونه می گوید: «بنیاد از زمان تاسیس تا کنون اقدام موثر و قابل توجهی نداشته است.» وی مدعای خویش را این گونه توجیه می کند: «اگر بنیاد تعزیه اقدام و کارهای خوبی داشته است پس چرا هنوز این بنیاد برای بسیاری از اهالی تعزیه به گمنام و ناشناخته باقی مانده است. اهالی تعزیه هنوز این بنیاد را به خوبی نمی شناسند، حال خودتان باید حساب کنید مردم چطور می خواهند این بنیاد را بشناسند.»

مسلم نادعلی زاده نیز درباره فعالیت های انجام شده در بنیاد تعزیه، ضمن انتقاد از این اقدامات و ناکافی دانستن آنها می گوید: «آقایان مدعی هستند که اقدامات بسیاری انجام داده اند اما من سوالی دارم و آن سوال این است که آن اقدامات به چه میزان واقعی و متناسب با نیازهای تعزیه و درخواست اهالی تعزیه بوده است؟ اگر شما به همین اقداماتی هم که دوستان مدعی هستند صورت گرفته نگاه کنید متوجه خواهید شد که این اقدامات با توجه به نیاز کنونی تعزیه نیست.»

دکتر محمدرضا سنگری نویسنده و پژوهشگر مهمترین کاری بنیادهایی نظیر بنیاد تعزیه را این گونه برمی شمارد: «به نظرم بنیادهایی نظیر بنیاد تعزیه باید وقت و انرژی خود را صرف این بکنند که ابتدا نگذارند تعزیه از یاد مردم برود و از رسوم عزاداری ما حذف شود. این یکی از مهمترین اقداماتی است که بنیاد باید انجام دهد تا این آئین اسلامی - ایرانی حفظ شود. بعد از آن باید به معرفی این آئین و سایر آئین های بومی کشورمان بپردازد و بسیاری از این آئین های فراموش شده را به مردم یادآوری و معرفی کند. از سوی دیگر، متأسفانه بنا به دلایل متعدد بسیاری از آئین های کشورمان از جمله همین تعزیه با تحریف و تغییر روبه رو شده اند. بهتر است بنیاد تعزیه برای این مسئله هم تدبیری بیندیشد و برای آن راهکاری



پیدا بکند.»

حسن محمدباقر همانند دفعات قبل در برابر این انتقادات پاسخ دارد. وی در این باره می‌گوید: «بنیاد برای معرفی خود اقدامات بسیاری انجام داده است. هنگام افتتاح صداوسیما، تشکیل این بنیاد را اعلام کرد. اگر دوستان در اینترنت جست‌وجویی بکنند با پوشش اخبار ما توسط رسانه‌های متعدد هم روبه‌رو خواهند شد. اینکه گفته می‌شود ما هیچ کاری برای تعزیه انجام نداده‌ایم یک نوع بی‌اخلاقی است. به طور مثال در اسفند سال گذشته ما نشست‌های سراسری در تجلیل از سران و استادان تعزیه از سراسر کشور برگزار کردیم که این نشست از سوی صداوسیما پوشش خبری داشت. بسیاری از استادان تعزیه همانند استاد داود فتحعلی بیگی در این نشست حضور داشتند و سخنرانی کردند. در این نشست از ۷۰ استاد تعزیه تجلیل شد.»

محمدباقر در ادامه نوبت به این سازمان و نهاد را به دیگران متذکر می‌شود و عنوان می‌کند: «از تاسیس بنیاد تعزیه فقط سه سال گذشته است و باید به این مسئله هم توجه کرد که این نهاد مردمی و غیر دولتی است و به هیچ دستگاه دولتی از نظر مالی وابسته نیست. بسیاری از اقدامات نیازمند هزینه‌های هنگفت هستند و تا کنون نیز بسیاری از اقدامات صورت گرفته از منابع مالی شخصی بنده یا سایر اعضای هیات مدیره بوده است.»

مسئله‌ای به نام پژوهش

اما نام کامل بنیاد تعزیه، «بنیاد علمی فرهنگی تعزیه و همایش‌های آئینی» است و همانطور که از نام و اساسنامه این بنیاد مشخص است، تاکید آن بر علمی بودن و انجام کارهای پژوهشی در مورد مسائل مرتبط با تعزیه و همایش‌های آئینی است. بسیاری از منتقدان و کارشناسان این نهاد معتقد هستند که در میان کارهای صورت گرفته در بنیاد تعزیه، انجام کارهای پژوهشی گم است و یا آنقدر کم است که در میان این اقدامات، ناپیداست. یک تعزیه‌پژوه درباره اقدامات پژوهشی‌ای که درباره تعزیه در ایران و جهان صورت گرفت است، می‌گوید: «مسئله پژوهش در تعزیه نسبت به سایر حوزه‌های دینی و البته هنری در ایران از قدمت و تاریخچه بیشتری برخوردار است و ریشه آن نیز مستحکم‌تر است. مشاهده می‌کنیم که بسیاری از سیاحان درباره اجرای تعزیه و هنرهای نمایشی چون سیاوشون در ایران سخن گفته‌اند و ایران‌شناسان متعددی هم به این مسئله توجه کرده‌اند و به واکاوی این هنرهای نمایشی و آئینی پرداخته‌اند. به دیگر سخن ما با غنای بسیار خوبی در عرصه پژوهش روبه‌رو هستیم که باید آن را پاس بداریم.» مسلم

نادعلی زاده نویسنده کتاب «شبیبه از نگاه فقیه» هم با اشاره به قدمت تعزیه پژوهی در ایران و جهان و تعدد و تنوع کتاب در این زمینه می‌گوید: «خوشبختانه کتاب‌های زیادی در این باره به چاپ رسیده است که این تعدد در کنار تنوع آن، مسئله را برای تعزیه‌پژوهان و علاقه‌مندان به آن خوشایند ساخته است.» وی درباره رشد آثار و کتاب‌های چاپ شده در سال‌های اخیر می‌گوید: «آنچه در زمینه تعزیه پژوهی باید مورد توجه قرار گیرد و نهادهایی نظیر بنیاد تعزیه هم باید در این حوزه اهتمام بورزند این است که اشعار تعزیه در طول سال‌ها و دهه‌های متعدد مورد تغییر و تحریف قرار گرفته است و این تحریف و تغییر هم یکی از مهمترین دلایل ضربه خوردن تعزیه در طول این سال‌هاست. بنیاد تعزیه و نهادهای اینچنینی باید گروهی از متخصصان و صاحب‌نظران خبره را که بی‌طرف و از نظر علمی غنی هستند را به کار گیرد تا از این طریق به پالایش اشعار تعزیه بپردازند. از دیگر سوی شاهد هستیم تغییراتی هم در موسیقی و نحوه اجرای تعزیه صورت گرفته است. گروهی هم باید در این مسیر به کار گرفته شوند تا درباره این تغییرات به بررسی و تحقیق بپردازند.»

حسن محمدباقر مدیر عامل بنیاد تعزیه هم مانند کارشناسان از ضرورت پژوهش‌ها و تحقیقات گسترده درباره تعزیه سخن می‌گوید و بیان می‌کند: «خوشبختانه در این باره اقدامات بسیار خوبی انجام شده است. ما معاونتی به نام معاونت پژوهش را تشکیل داده‌ایم و در ذیل این معاونت و با همکاری معاونت فرهنگی بنیاد، شوراهایی تخصصی تشکیل شده‌اند. یکی از این شوراهای تخصصی، شورای عالی پژوهش است که موظف است درباره تعزیه به بررسی و تحقیق بپردازد. کسانی که در این شوراها هستند به شکلی دائمی به رصد تحولات دنیای تعزیه می‌پردازند و به مطالعه درباره این هنر عالی مشغول هستند. من افتخار دارم بگویم که ما در این زمینه یکی از فعال‌ترین‌ها و بهترین‌ها هستیم که از ابتدا هم نسبت به آن اهتمامی ویژه داشتیم.» صحبت‌های مدیر عامل «بنیاد علمی فرهنگی تعزیه و نمایش‌های آئینی» در حالی است که کارشناسان این حوزه از همین زاویه انتقادی جدی به این بنیاد وارد می‌کنند. این کارشناسان معتقدند که بنیاد تعزیه فقط در نام، علمی فرهنگی است و در این حوزه اهتمام خاصی نداشته است. یک کارشناس تعزیه و امور دینی در این باره می‌گوید: «تعزیه حوزه‌ای است بسیار پویا که هر مقدار هم در آن واکاوی کنی باز جای کار دارد و در هر پژوهش دریچه‌ای تازه از این هنر متعالی برای پژوهشگر باز می‌شود به طوری که می‌توانم به طور قاطع بگویم باب پژوهش در این حوزه هیچ‌گاه بسته نمی‌شود.» مسلم نادعلی زاده



در حالی که حسن محمدباقر مدیر عامل «بنیاد علمی فرهنگی تعزیه و نمایش‌های آئینی» می‌گوید که این بنیاد با همکاری اهالی و بزرگان تعزیه تاسیس شده است، صحبت‌های تعدادی از بزرگان تعزیه حرف‌هایی خلاف جهت وی می‌گویند. وقتی از مظفر قربان‌نژاد که از تعزیه‌سرایان بنام تهران است، درباره بنیاد تعزیه سوال می‌کنم، می‌گوید که تا مدت‌ها از وجود چنین بنیادی بی‌خبر بوده است و البته هم‌اینک نیز از فعالیت‌های آن خبر ندارد. وی می‌گوید: «من تا مدت‌ها از ثبت، ضبط و فعالیت بنیاد تعزیه اطلاعی نداشتم و اصلاً نمی‌دانستم که چنین بنیادی تاسیس شده است تا اینکه یکی از دوستانی که در کار تعزیه است، یک روز به خانه من آمد و مرا از وجود چنین بنیادی آگاه کرد.»

هم درباره کارهای پژوهشی صورت گرفته در بنیاد تعزیه می‌گوید: «از من چندین بار برای انجام کارهای پژوهشی برای بنیاد تعزیه دعوت شد. اما آنچه خروجی آن دعوت‌ها بود این بود که هیچ گونه جدیتی در میان مسئولان ذی‌ربط مشاهده نکردم؛ به طوری که این دعوت‌ها بی‌فایده بود.» مظفر قربان‌نژاد هم از عدم انجام کارهای پژوهشی توسط بنیاد تعزیه سخن می‌گوید و مدعی است که بنیاد تعزیه در تحقق این امر هیچ گونه گامی برداشته است: «شمانگاه کنید و ببیند که به چه میزان کاری واقعا پژوهشی از این بنیاد خروجی داشته است. من تا کنون هیچ کار پژوهشی جدی‌ای در این مورد که از سوی این بنیاد باشد ندیده‌ام.»

اما مدیر عامل بنیاد تعزیه برای این انتقادات هم جوابی درخور دارد: «دوستان کار پژوهشی را فقط منحصر به چاپ کتاب می‌دانند، در حالی که این نگاه، نگاهی غلط و مبتنی بر انگاره‌های از پیش ساخته شده و سنتی است. باید توجه کنیم که کار پژوهشی که فقط کتاب چاپ کردن نیست. ما توانسته‌ایم پژوهشگران این حوزه را گرد هم آوریم. ما به تمامی دانشگاه‌هایی که به نوعی با تعزیه و هنرهای آئینی مرتبط هستند مانند دانشگاه‌هایی که رشته‌های هنر، الهیات، تاریخ، ارتباطات، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی و... تدریس می‌شود گفته‌ایم که از پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی که در این زمینه نوشته می‌شوند حمایت مالی می‌کنیم. درخواست تاسیس رشته تعزیه پژوهی و عاشورا پژوهی داده‌ایم که البته با استقبال دانشگاه سوره نیز مواجه شدیم. آنها آمدند و گفتند که پیشنهاد بسیار خوبی مطرح کردید و ما هم حاضریم این کار را انجام بدهیم. سوال از من از دوستان منتقد و کارشناسان محترم این است که آیا این کارها، کارهای پژوهشی نیست.» محمدباقر می‌افزاید: «البته ما کارهایی هم به شکل انتشار کتاب و مقاله در دست داریم که به خاطر مسائل مالی متوقف شده است. همچنین باید بگویم که این کارها، کارهای بسیاری خوبی هستند که برای انجام آن زحمات بسیاری کشیده شده است و اینطور نبوده است که یک‌شبه صورت گیرد.»

گروه ملی تعزیه: از حرف تا عمل

«یکی از کارهای خوبی که از اول به دنبال آن بودیم، این است که همانند گروه «کنسرت ملی موسیقی»، گروهی ملی، از بهترین اهالی تعزیه تشکیل بدهیم که آن گروه، «گروه ملی تعزیه» باشد.» حال این گروه تشکیل شده است و این مسئله نیز بی‌حاشیه نمانده است. بی‌خبری و عدم آگاهی از چگونگی شکل‌گیری «گروه ملی تعزیه» مخرج مشترک اظهارات کارشناسان است. مظفر قربان‌نژاد از تعزیه‌سرایان بنام و قدیمی هم هر چند از تشکیل شدن این گروه،

آگاه است اما از ضابطه‌هایی که افراد بر اساس آن انتخاب شده‌اند، اظهار بی‌خبری می‌کند و می‌گوید که این گروه می‌توانست بهتر از اینها باشد: «یک روز این آقایان آمدند و گفتند که می‌خواهند «گروه ملی تعزیه» را تشکیل بدهند. همه دوستان هم وقتی این خبر را شنیدند، خوشحال شدند اما مسئله‌ای که برای ما روشن نبود، مسئله ضابطه‌ای که قرار بود بر اساس آن «گروه ملی تعزیه» شکل بگیرد. از ما نظرخواهی کردند که این گروه ملی را چگونه تشکیل بدهند. ما پیشنهاد دادیم که از سراسر کشور، گروه‌های مختلف تعزیه را گرد هم آورید و طی ۱۰ روز و به شکلی فشرده برای این گروه‌ها، رقابت‌های حذفی چند مرحله‌ای برگزار کنید. از طرفی برای داوری این رقابت‌ها هم نه افرادی خارج از گود تعزیه بلکه از کسانی که موی خود را در تعزیه سفید کرده‌اند دعوت کنید. اما من تا اینجا خبردار هستم و بیشتر از این نیز درباره تشکیل گروه ملی تعزیه خبر ندارم.» وقتی از دکتر محمد رضا سنگری می‌پرسیم که از اعضای هیات داوری تعیین «گروه ملی تعزیه» خبر دارد، او نیز از این هیات و اعضای آن اعلام بی‌خبری می‌کند و همچون دیگران می‌گوید که خبر ندارد. حسن محمدباقر اما درباره «گروه ملی تعزیه» این گونه اظهار نظر می‌کند: «اعضای گروه ملی تعزیه قطعا از بهترین کسانی بودند که از سراسر کشور گرد هم آمده‌اند و نمایش‌هایی نیز که تا کنون اجرا کرده‌اند نشان‌دهنده همین است.» وی در مورد ضابطه و چگونگی روندی که اعضای «گروه ملی تعزیه» تشکیل شده‌اند فقط به «رقابتی» بودن و تأیید و انتخاب شدن توسط اعضای «هیات داوری» اشاره می‌کند.

کتابخانه تخصصی تعزیه: عنوانی بزرگ اما توخالی

«ما تا کنون توانسته‌ایم کتابخانه‌ای نزدیک به شش هزار جلد در محل بنیاد ایجاد کنیم که در آن کتاب‌های تخصصی تعزیه و هنرهای آئینی موجود است. کتاب‌های این مجموعه توسط استاد بزرگ، آقای صادق عاشورپور به مجموعه اهدا شده است. با افتخار هم اعلام می‌کنم که درهای بنیاد بر روی همه پژوهشگران، استادان، دانشجویان و عموم مردم باز است و می‌توانند از ظرفیت این کتابخانه استفاده بکنند.»

اظهارات مدیر عامل بنیاد تعزیه در حالی است که منتقدان این بنیاد حرف‌های دیگری درباره «کتابخانه تخصصی» این نهاد می‌زنند. مسلم نادعلی‌زاده درباره کتابخانه تخصصی بنیاد تعزیه این گونه می‌گوید: «در بنیاد تعزیه اتاقی را به کتابخانه اختصاص داده‌اند. کتاب‌هایی هم که در این کتابخانه موجود است، کتاب‌هایی است که آقای صادق عاشورپور به مجموعه اهدا کرده است اما کتاب‌های آن دیگر تخصصی نیست. از کتاب‌های رمان تا

مسلم نادعلی‌زاده نویسنده کتاب «شبیه از نگاه فقیه» درباره مساله پژوهش در تعزیه می‌گوید: «آنچه در زمینه تعزیه پژوهی باید مورد توجه قرار گیرد و نهادهایی نظیر بنیاد تعزیه هم باید در این حوزه اهتمام بورزند این است که اشعار تعزیه در طول سال‌ها و دهه‌های متعدد مورد تغییر و تحریف قرار گرفته است و این تحریف و تغییر هم یکی از مهمترین دلایل ضربه خوردن تعزیه در طول این سال‌هاست. بنیاد تعزیه و نهادهای اینچنینی باید گروهی از متخصصان و صاحب‌نظران خبره را که بی‌طرف و از نظر علمی غنی هستند را به کار گیرد تا از این طریق به پالایش اشعار تعزیه بپردازند. از دیگر سوی شاهد هستیم تغییراتی هم در موسیقی و نحوه اجرای تعزیه صورت گرفته است. گروهی هم باید در این مسیر به کار گرفته شوند تا درباره این تغییرات به بررسی و تحقیق بپردازند.»





ناظر و کارشناسی این سوال مطرح می‌شود که با این همه تاکید و این همه ظرفیت، چرا هنوز تعزیه سامانی ندارد؟ چاره‌نری که بیشترین ظرفیت‌های ایرانی-اسلامی را در خود دارد، تا این حد تنها مانده است؟ مسلم نادعلی‌زاده که شماری از نسخه‌های باقی‌مانده از مجالس تعزیه را تصحیح کرده و در انتظار چاپ آنهاست، می‌گوید که از میان صدها مجلس تعزیه ارزشمند که میراث معنوی و فرهنگی این سرزمین به شمار می‌روند، تعداد محدودی نشر یافته‌اند که همین تعداد هم به خوبی انتخاب نشده‌اند یا تصحیح درستی بر آنها اعمال نشده است. نقد او از این منظر هم قابل توجه است که تعزیه از یک نمایش آیینی برآمده از بطن جامعه در حال تبدیل شدن به یک ابزار موزه‌ای و گلخانه‌ای است. بی‌سلیقه‌گی در انتخاب و تصحیح نسخه‌های قدیمی، نبود نوآوری در اجرا و فرم هم مزید بر علت شده است. علاوه بر اینها، تعزیه بیش از حد متعارفش «تهرانی» شده است. در بسیاری از فعالیت‌های صورت گرفته، زمینه و ظرفیت اصلی تعزیه که تا کوچکترین شهرها و روستاهای ایران نفوذ دارد، نادیده گرفته می‌شود. صاحبان اصلی تعزیه تنها بوند و بدون حمایت‌های سامان یافته، بار و میراث گرانسنگ آیینی ما را به دوش می‌کشند. ■

جامعه‌شناسی و معارف در این کتابخانه موجود است. با گردآوری چند هزار جلد کتابخانه که نمی‌شود گفت «کتابخانه تخصصی». «کتابخانه تخصصی» تعریف بخصوصی دارد که هر چه باشد با تعریف آقایان متفاوت است. «مشاهدات نگارنده گزارش نیز گفته‌های مسلم نادعلی‌زاده را تأیید می‌کند؛ کتابخانه در اتاقکی کوچک و با قفسه‌هایی اکثراً خالی تشکیل شده است. کتاب‌های آن بیشتر در حوزه تفسیر و معارف قرآنی است و کتاب‌های شعر و رمان نیز در آن موجود است. از دیگر سو، آنچه موجب تضاد می‌شود، آن است که تعداد بسیار محدودی کتاب با موضوع تعزیه در این کتابخانه موجود است که سبب می‌شود دیگر نتوان این کتابخانه را «کتابخانه تخصصی» خواند بلکه بیشتر به یک «کتابخانه عمومی» شبیه است.

نتیجه‌گیری

بنیاد تعزیه مشتی است نمونه خروار. وقتی از تعزیه به عنوان یک ظرفیت ملی برای ارتقاء هنرهای نمایشی یاد می‌شود، وقتی مناسک دینی رکن اصلی اجتماعات انسانی در سراسر ایران است و بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین همایش‌های خیابانی در مناسبت‌های کلیدی مذهبی قابل مشاهده است، برای هر



در بنیاد تعزیه اتاقی را به کتابخانه اختصاص داده‌اند. کتاب‌هایی هم که در این کتابخانه موجود است، کتاب‌هایی است که آقای صادق عاشورپور به مجموعه اهدا کرده است اما کتاب‌های آن دیگر تخصصی نیست. از کتاب‌های رمان تا جامعه‌شناسی و معارف در این کتابخانه موجود است. با گردآوری چند هزار جلد کتابخانه که نمی‌شود گفت «کتابخانه تخصصی». «کتابخانه تخصصی» تعریف بخصوصی دارد که هر چه باشد با تعریف آقایان متفاوت است.



مشکل بزرگی که در جامعه مداحان وجود دارد عدم وجود استاد است

الگوسازی و الگوسوزی رسانه‌ها

پوریا شیرآشیانی

— در حال حاضر مهم‌ترین مسائل مبتلا به جامعه مداحان و ستایشگران اهل بیت (ع) چیست؟
— گاه از طریق رسانه‌های مختلف، انتقادهای تندی نسبت به مداحان و ذاکران اهل بیت (ع) مطرح می‌شود؛ ریشه این انتقادات به چه موضوعاتی برمی‌گردد؟
— برای رسیدن به مطلوب‌ترین حالت ممکن در خصوص مداحی و ذاکری اهل بیت (ع) چه نکاتی را باید مد نظر قرار دهیم؟

رضوی: اگر بخواهیم پاسخ دقیقی به این سؤالات بدهیم، چاره‌ای نداریم جز این که وارد حوزه آسیب‌شناسی شویم. الان مشکل بزرگی که در جامعه مداحان وجود دارد، عدم وجود استاد است؛ استادی که جامع باشد. در این حوزه چیزی که مهم است، الگوهای ارزشمند است؛ استادهایی که بتوانند مداحی شایسته را برای نوجوانان، جوانان و علاقه‌مندان به تصویر بکشند. متأسفانه الان در این زمینه مشکل زیاد داریم.

من گمان نمی‌کنم که الان به‌طور کل استادی در جامعه وجود نداشته باشد. همین الان در حوزه‌های مختلف مداحی و ذاکری اهل بیت (ع) استادان توانمندی هستند که بسیار خوب عمل

نقش ستایشگران و ذاکران اهل بیت (ع) در تاریخ تشیع نقش بی‌بدیلی است. در حقیقت تلاش مداحان و ذاکران اهل بیت (ع) در کنار آنچه بزرگان دیگر در حوزه تاریخ فقهی و کلام و عقاید شیعی انجام داده‌اند، حفظ و حراست از بنایی ساخته و پرداخته از عاطفه و عقلانیت است. در طول تاریخ اسلام شاهد آن هستیم که کسانی که بانی‌های خالص و درست در جرگه ستایشگران و ذاکران حقیقی اهل بیت (ع) قرار می‌گیرند، چگونه فرآورده‌های عقلانی، فلسفی و حکمی شیعیان را با هنر آسمانی و موهبت الهی محبت خاندان اهل بیت (ع) آراسته‌اند و گاه چه خوب‌تر حقایق هستی را تبیین و تشریح کرده‌اند. محصول بخشی از این تلاش‌های ارزشمند، گنجینه‌گران بهایی از نوحه‌ها و نغمات، اشعار آیینی و ... است. بی‌تردید ادامه این روند نیازمند بررسی نقاط قوت و ضعف فعالیت‌هایی است که در این حوزه انجام شده و آنچه در ادامه می‌آید، میزگردی است که به همین منظور برگزار شده است. در این میزگرد از حضور ارزشمند ستایشگران و ذاکران اهل بیت (ع)، آقایان سید علی محمد سادات رضوی، عباس کریمی، محمدعلی بهتویی و متین رضوانی پور بهره برده‌ایم. این میزگرد را با طرح سؤالاتی از این قبیل آغاز کردیم که:

مداحی بدون تردید یک هنر است. هنر یعنی فن، فنی که هر کس نمی‌تواند اجرا کند

می‌کنند و نقش مؤثری هم دارند.

کر می: این ضعف الگوپذیری‌ها را می‌رساند.

رضوی: و دوم آنهایی که الگو را به جامعه معرفی می‌کنند.

کر می: بله، همین‌طور است.

بهتویی: رسانه.

رضوی: بله، این خیلی مهم است. در گذشته تا آن جایی که من مطلع هستم، مانند هر شغل دیگری، کسانی که می‌خواستند وارد مداحی شوند، نزد یک پیشکسوت که جامعه آنها را قبول کرده و پذیرفته و به عنوان کسی که شایسته و کارگشته این کار است، می‌رفتند و شاگردی می‌کردند. در گذشته اگر کسی می‌خواست زرگر شود می‌رفت پیش استاد زرگری، کسی که می‌خواست نانوا شود می‌رفت پیش استاد نانوا و کسی هم که می‌خواست مداح شود می‌رفت پیش یک استاد. می‌رفت پیش یک مداح شایسته و کارگشته. بعد آن مداح و آن استاد راهنمایی می‌کرد. گاهی حتی اجازه نمی‌دادند که شاگرد تا یک زمان معینی بخواند؛ تا زمانی که بتواند مطالب را در حد مطلوب ارائه کند. حتی برای لباس پوشیدن، عبادت‌آختن؛ اینها همه در جاتی داشت. به این ترتیب آن مداح از دوران طفولیت، بعد نوجوانی و سپس جوانی پرورش می‌یافت و کامل می‌شد. الان دیگر این قضیه نیست. الان دیگر استادها همان‌هایی شده‌اند که رسانه‌ها نشان می‌دهند. جوان‌ها تصور می‌کنند که فقط همین‌ها الگو و نمونه هستند.

کر می: آفرین! همین‌طور است.

اگر ما مدعی هستیم که ستایشگری و ذاکری اهل بیت (ع) روش و منش اصیلی را می‌طلبد که از دیرباز در جامعه ما مرسوم و متداول بوده که تحقیقاً و انصافاً هم همین‌طور است؛ پس علت اقبال به برخی روش‌ها و منش‌های بعضاً نادرست یا بی‌سلیقه یا کم‌سلیقه چیست؟

رضوی: یک دلیل آن این است که اذهان برخی از مردم هنوز متأثر از موسیقی‌های قدیمی آنچنانی است؛ بنابراین موسیقی‌هایی که الان توسط این عزیزان اجرا می‌شود پذیرا دارد. این است که دیگر نمی‌روند استاد ببینند. ضمن این که هنر به ذات سخت است. در حوزه هنر تا زحمت نکشی، تا مرارت نکشی،

موفق نمی‌شوی. مداحی هم بدون تردید یک هنر است. هنر یعنی فن، فنی که هر کس نمی‌تواند اجرا کند. چون هنر است مخاطب دارد، بیننده دارد، شنونده دارد و فراگیری آن هم سخت است. در گذشته استادان هم در آموزش آن سخت می‌گرفتند. می‌گفتند که قصیده حفظ کن، غزل حفظ کن، شعر حفظ کن، روایت حفظ کن. متناسب با مناسبت‌های مختلف روایت و شعر حفظ کن؛ سپس بیابخوان. اما حالا الگو فقط همان کاغذی است که آن آقا در رسانه دست می‌گیرد و همان سبکی که او می‌خواند؛ به همین دلیل آنهایی که واقعاً شایسته هستند - و ما در جامعه از این افراد حقیقتاً کم نداریم، افرادی که کارشان حائز اهمیت است - گمنام می‌مانند. گفت:

بوستان جولانگه زاغ است و میدان زغن / بی‌جهت نبود که بلبل در کناری مانده است

البته در همین فضا هم مداحان و ذاکران جوانی هستند که سعی می‌کنند مسیر درست این راه را طی کنند. آقای بهتویی شما برای این که دچار این کاستی‌ها نشوید چه می‌کنید؟

بهتویی: الحمد لله رب العالمین من از دوران کودکی در محافلی مثل حسینیه بیت‌الحسن مجتبی و حسینیه‌هایی نظیر این شرکت می‌کردم که در آن جا خواننده‌ها سنتی خوان بودند. همچنین استفاده از محضر استادانی نظیر حاج میرزا علی آقا آهی و استاد سازگار مرا از این آفت‌ها دور کرده است.

کر می: مداحی هنر مقدسی است که همراه با تقوا و توسل به اهل بیت (ع) ثمربخش خواهد بود و هر کس این را مد نظر داشته باشد، در کارش موفق خواهد شد.

بهتویی: تأثیرگذاری مداح هم به سبب همان تقوا و توسل است. به قول مقدس نوری، علیه صدق و اخلاص دو پله منبر است...

کر می: احسنت! صدق و اخلاص! اگر ما به هنر بودن، مقدس بودن و سپس داشتن تقوا و توسل به اهل بیت (ع) توجه داشته باشیم، ادامه راه مطمئن‌تر خواهد بود.

آقای رضوانی پور، برآیند آراء دوستان در این جمع حاکی

مداحی هنر مقدسی است که همراه با تقوا و توسل به اهل بیت (ع) ثمربخش خواهد بود



متین رضوانی پور

متین رضوانی پور متولد ۱۳۶۲ دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگر موسیقی مذهبی و کارشناس نوحه‌ها و نغمات آیینی است. رضوانی پور نزد استادان و خوانندگان چون محمدعلی یزدیان، محمود مخدوم، حسام‌الدین عفیری و مجید کیانی ردیف‌های موسیقی ایرانی را آموخته است. وی از دوران کودکی به کمک مادرش با نوحه و نوحه‌خوانی آشنا شد و به دلیل علاقه‌ای که به این نوع از نغمات داشت به گردآوری نوحه‌های اصیل مشغول شد؛ سپس با راهنمایی استادانی نظیر مجید کیانی، جهانگیر نصر اشرفی و مرتضی صفاریان گردآوری انواع موسیقی مذهبی مثل مناجات، اذان، چاووشی، تعزیه، مدح، منقبت، سحر خوانی و... را ادامه داد. ایشان هم‌اکنون کارشناس نغمات آیینی در بنیاد دعبل خزاعی است و کتاب‌های «نوحه‌خوانی در ایران» و «هر طرف آواز غم: نوحه‌خوانی در شوشتر» از جمله آثار تألیفی اوست. رضوانی پور در کتاب «نوحه‌خوانی در ایران» به گردآوری نوحه‌ها از شهرها و روستاهای مختلف کشور پرداخته است. این کتاب با هدف اجرای بهتر نوحه‌خوانان در دستگاه‌های مختلف و نواهای عاشورایی و حفظ نوحه‌های ماندگار و نغمه‌های اصیل شیعی و ایرانی نگاشته شده است و از جمله ویژگی‌های آن، آوانگاری نوحه و ۲ سبب دی‌ضمیمه کتاب است که اجرای نوحه‌ها را به مخاطب نشان می‌دهد. در این کتاب به گفته مؤلف، طی یک تحقیق چهار، پنج ساله در شهرهای مختلف حدود ۸۰۰-۷۰۰ نوحه و آهنگ اصیل جمع‌آوری شده که هر کدام با دیگری متفاوت است. در کتاب «هر طرف آواز غم» نیز ۷۲ نمونه از نوحه‌های شهرستان شوشتر با موضوعات مختلفی مانند «نوحه حضرت مسلم (ع)»، «نوحه‌های جناب حر (ع)»، «نوحه‌های ورودیه به کربلا» و... گردآوری شده است.

از این است که میراث مکتب تشیع از رهگذر عزاداری‌ها، سوگواری‌ها، نوحه‌ها و نغمات آیینی، وزن بیشتری نسبت به ماحصل امروزی آن دارد؛ نظر شما چیست؟

رضوانی پور: البته در بحث موسیقایی آنها، به نظر من هیچ گونه کم و کاستی - یا به عبارتی که گفته شد، آسیبی - ندارند و آنچه از نوحه‌ها و نغمه‌های آیینی از گذشته در دسترس داریم، نغمه‌های اصیلی محسوب می‌شوند؛ اما به لحاظ محتوای شعری، گاهی می‌بینیم که دچار خرافات و انحرافات شده‌اند. **بهتویی:** در درونمایه و مضامین آنها هم مشکلاتی وجود دارد.

رضوانی پور: البته می‌شود در این موارد آهنگ‌ها را الگو قرار داد و روی آنها شعر جدید گذاشت. برای مثال من در شهر شوشتر نوحه‌ای را ضبط کردم که ملودی آن بسیار فاخر و عالی بود؛ اما در شعر می‌گفت: «شه گلگون عبا تنها دلیل زمره اعدا» که این واژه «دلیل» واژه خوبی نیست و کم‌سلیقگی در آن به کار رفته است. از طرفی نمی‌شود موسیقی عالی این کار را نادیده انگاشت؛ به همین دلیل مادر این مورد مثلاً شعر را این طور تغییر دادیم: «شه گلگون عبا شهید زمره اعدا»

در این مباحث می‌توان از استادان هر دو حوزه کمک گرفت. به طوری که بخش موسیقی آن را استادان موسیقی ببینند که آیا بر اساس معیارها و میزان‌های موجود اصالت دارد یا خیر. از لحاظ شعری هم خوب است که این مباحث در خدمت استادان این حوزه مطرح شود تا آنها راهکار دهند و به این ترتیب کارهای خوب و بدون انحراف در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد تا از آنها الگوبرداری کنند.

رضوی: نوحه‌هایی که شما فرمودید در گذشته ضعیف بوده، دلیلش این است که جنبه فولکلور داشته و از دل مردم برخاسته است. این نوحه‌ها را یک شاعر قوی نسروده، کسی به دلیل ارادت به اهل بیت (ع) کاری ارائه داده و نتوانسته واژه‌گزینی کند؛ اما در ادبیات ما، در میان قصاید و شعرها اتفاقاً قدامت خیلی قوی‌تر بوده‌اند و ما این را به وضوح می‌بینیم. آرایه‌های ادبی‌ای که آنها

به کار برده‌اند خیلی قوی‌تر از اشعار فعلی است. ولی موسیقی را به دلیل همان عرض اولم، رها کردند. چون شعر حفظ کردن سخت بوده، رها کردند. چون موسیقی آموختن سخت بوده، رها کردند و این ملودی‌های مبتذل را جایگزین کرده‌اند. ضمن این که من قبلاً هم بارها گفته‌ام که در این حوزه، نغمات و موسیقی‌هایی که فاخر هستند می‌مانند؛ مثلاً درباره موسیقی‌هایی که اول انقلاب ساخته شد، مثل «خمینی ای امام...» را که آقای شاهنکیان ساخت و مواردی دیگر را در نظر بگیرید. برخی از این آثار تا ابد می‌مانند.

بهتویی: نمونه‌اش اثر «حسین آرام جانم...» که استاد کریم خانی خوانده و گرایش به دستگاه شور دارد. این اثر هم ماندگار است؛ به طوری که هم مداحان سنتی و هم مداحانی که به سبک‌های جدید می‌خوانند این را زمره می‌کنند. این تأثیر توجه به موسیقی است، همان طور که استاد فرمودند.

رضوانی پور: واقعاً همین طور است. اگر موسیقی سنتی مهجور مانده، به دلیل آن است که هیچ تبلیغی روی آن صورت نگرفته است؛ در حالی که مداحی سنتی در صورت ارائه به جامعه هنوز هم اقبال عمومی و گسترده دارد.

کریمی: ما یک دریای بیکران از یک گنجینه خیلی غنی داریم که همین موسیقی سنتی و گوشه‌های آوازی ماست. مادامی که به دنبال آن برویم، می‌توانیم گوهرهای نابی بیابیم.

رضوی: متأسفانه در رژیم گذشته موسیقی ملی ما مورد تهاجم قرار گرفت. یعنی کسانی که در تلویزیون و رادیو موسیقی می‌خواندند، اکثراً از فرهنگ قوی‌ای برخوردار نبودند. چون هنر تراوش افکار درون انسان نسبت به مخاطب است. ان شاء الله با دست به دست هم دادن دوستان بتوانیم آنچه خواست جامعه است و رضای خدا هم در آن هست، عملی شود.

کریمی: در رژیم گذشته چون ساختار رژیم به این شکل بوده که به دنبال یک جامعه و سیستم لائیک بود، از الگوسازی بزرگان در رسانه‌ها خبری نبوده است. بعد از انقلاب به نظر می‌رسد که مجموعه‌هایی نظیر «بنیاد دعبل خزاعی» خیلی جای کار دارند

نیاید مداحی در صدا و سیما به عده‌ای خاص تعلق بگیرد؛ تا این طور به نظر برسد که مداحی فقط همین است که رادیو و تلویزیون پخش می‌کند

سید علی محمد سادات رضوی



سید علی محمد سادات رضوی متولد ۱۳۳۶ است و مداحی را از سال ۱۳۵۰ به طور رسمی شروع کرده است. پدر ایشان اهل منبر بود و برادرانش نیز مداح و ذاکر اهل بیت (ع) بوده‌اند. سید علی محمد سادات رضوی درباره خودش می‌گوید: «پدرم در زمینه آموزش دستگاه‌های موسیقی خیلی آشنا بود. ایشان با وجود این که منبری بود، خیلی مسلط بود. من از بچگی خواندن‌های ایشان را می‌دیدم و خیلی علاقه‌مند بودم. اخوی در دوران جوانی از ایشان نغمه‌ها را می‌پرسید؛ مثلاً درباره این که ملک الشعرای بهار فلان شعر را در فلان نغمه داشته... پدرم برای ایشان توضیح می‌داد و من به این شکل علاقه‌مند شدم. در سال ۱۳۵۲ من به کلاس مرحوم استاد اسماعیل خان مهرتاش راه پیدا کردم. نزد ایشان بودم که آقای شجریان و منتشری هم حضور داشتند. آقای شهیدی و یزدانیان هم بودند. آقای رضایی هم، که ایشان همگی در تلویزیون و رادیو صداهاشان پخش می‌شد، دوستان زیادی بودند. در کنار استاد مهرتاش، مرحوم استاد سید حسین میر خانی استاد ارشد انجمن خوشنویسان هم بود که ایشان در موسیقی ید طولایی داشت و من شاگرد ایشان نیز بودم. ایشان بعد از این که اولین قرآن نستعلیق را کتابت کرد، دیگر ساز نزد. البته رضوی بیشترین تلمذ را نزد اخوی خودش سید علی سادات رضوی داشته که هم تحصیلات دانشگاهی و هم تحصیلات علوم قدیمی دارند.

و وظیفه دارند که استادان گذشته را شناسایی کنند و با توجه به آثاری که از آنها به جا مانده - در ایام میلاد یا سوگواری اهل بیت (ع) - از نغمه‌های آنها پخش کنند تا گوش شنونده نسل جدید با این آثار و با این نغمه‌های قدیمی و گوشه‌های آوازی آنها آشنا شود. نباید مداحی در صدا و سیما به عده‌ای خاص تعلق بگیرد. تا این طور به نظر برسد که مداحی فقط همین است که رادیو و تلویزیون پخش می‌کند. چنین نیست و این دامنه، خیلی وسیع است.

رضوانی پور: در تأیید فرمایش‌های استاد، خوب است که نغمات اصیل هم به جامعه عرضه شود تا فضای مداحی از حالت تک‌بعدی بودن در بیاید و مخاطب قدرت انتخاب داشته باشد. به این ترتیب هر کس می‌تواند آنچه را دوست دارد انتخاب کند.

علاوه بر وظایفی که متوجه مسئولان و رسانه‌هاست، جامعه مداحان و ذاکران اهل بیت (ع) و علاقه‌مندانی که به تازگی وارد این حوزه می‌شوند چه وظایفی دارند؟

رضوی: یکی از ابزارهای مداحی داشتن «صدا» است - هر چیزی ابزاری دارد - و دیگری «صوت» که من این دو چیز را مجزا از هم می‌دانم. صوت چیزی و صدا چیز دیگری است. شخصی ممکن است صدای آنچنانی نداشته باشد، فقط یک دنگ یا دو دنگ؛ اما ممکن است صدای قشنگی داشته باشد. شخص دیگری ممکن است که صدا داشته باشد، اما نتواند قشنگ بخواند. بنابراین یکی از ابزارها صداست. الان بنده احساس می‌کنم این است که در مجالس کمتر به موسیقی ملی توجه می‌شود. البته منظورم همان موسیقی مذهبی است؛ چون موسیقی ملی و اصیل ما مدیون موسیقی مذهبی است.

بهتویی: وام گرفته از تعزیه است.

رضوی: کسانی که بتوانند از ظرفیت‌های موسیقی مذهبی استفاده کنند، تعدادشان در جامعه کم است؛ در حالی که در مجالس دیده می‌شود که جوانان به این سبک سنتی اقبال نشان می‌دهند. تا جایی که وقتی این سبک برای آنها اجرا می‌شود، مشتاق می‌شوند که بروند و در کلاس‌هایی که این سبک آموزش

داده می‌شود، شرکت کنند. (من ابتدا به آنها می‌گویم که باید ببینیم که صدای اولیه وجود دارد یا خیر.) اما متأسفانه در سال‌های اخیر خواننده‌هایی هم که مذهبی هستند کمتر به این نکته توجه می‌کنند و برای این منظور اقدامی نمی‌کنند؛ چون شیوه‌های جدید نه صدای آنچنانی می‌خواهد و نه نیازمند آشنایی به موسیقی اصیل ملی و در حقیقت مذهبی است و هر کسی می‌تواند آن طور بخواند، خیلی‌ها سراغ آن گونه خواندن می‌روند. به این دلیل که آموختن موسیقی اصیل سخت است.

کرمی: سخت است؛ اما تأثیرگذاری آن بیشتر است.

رضوی: به همین دلیل متأسفانه خیلی از دوستان ما با موسیقی و ردیف‌خوانی آشنا نیستند که این نیز یکی از مشکلات است و باید مد نظر دوستان باشد.

پیشنهاد شما برای حل این مسائل و مشکلات چیست؟

رضوی: رهبر معظم انقلاب در یکی از نشست‌هایی که با مداحان در ایام ولادت حضرت زهرا سلام‌الله علیها داشتند، فرمودند: «سنت‌ها را حفظ کنید؛ اما نوآوری هم باشد». حتی مثال هم زدند. گفتند، خانه‌ای را فرض کنید که الان سه طبقه است. شما این را تخریب نکنید، با یک معماری زیبا یک طبقه روی آن بگذارید. باید انسجام بیشتری بین دوستان و همکاران قدیمی ما باشد و اینها وقت بیشتری برای جوان‌ها بگذارند. این روش باید از طریق رسانه‌های مختلف پشتیبانی شود و دوستان ما هم تجارب خود را - خصوصاً ردیف‌خوان‌ها و کسانی که به این حوزه احاطه دارند - به جوانان علاقه‌مند انتقال دهند؛ البته اجرای این اقدامات سخت است.

رضوانی پور: یک نکته هم در این جا وجود دارد؛ این که، برخی پیرغلامان در قدیم دستگاه‌ها را بلد نبودند، ولی چون در آن زمان فقط یک نوع موسیقی و آن هم موسیقی ردیف - دستگاهی بود، هر چه آن عزیزان می‌خواندند به تبع در همان چار چوب بود. این موضوع می‌تواند یک روش آموزشی را ارائه دهد و شیوه‌ای از آموزش را برای جوانان امروز طراحی کند.

رضوی: در گذشته گروهی از واعظان و سخنرانان مانند مرحوم

مقام معظم رهبری:
«سنت‌ها را حفظ کنید؛ اما نوآوری هم باشد.»



عباس کرمی

عباس کرمی از چهارپایه‌خوانان قدیم تهرانی است که این فن را از محضر استادانی نظیر حاج محمد طلاچی، حاج اسماعیل چاووش، حاج سیدعباس زریباف، حاج محمدعلی اسلامی و حاج احمد صالح آموخته است. وقتی دسته‌های عزاداری در ایام مصیبت وارد بازار می‌شوند، در نقاط پرجمعیت مثلاً در صحن امامزاده یا مسجد جامع، چهارپایه‌ای برای مداح می‌گذارند تا بالای آن ایستاده و مردم عزادار را بگریانند. این روش سوگواری برای اهل بیت (ع)، «چهارپایه‌خوانی» نام دارد. در چهارپایه‌خوانی مداح باید بر نوع بیان، محتوا و مضمون اشعار و گفتار خود و بر اوضاع و احوال محفل مسلط باشد. اشعاری که در چهارپایه‌خوانی استفاده می‌شود، اغلب داغ و مهیج است و هنگام چهارپایه‌خوانی، مداح باید مجلس را معطل نکند و اصطلاحاً، سریع به اوج برساند.

عباس کرمی در سال ۱۳۴۱ در تهران متولد شده و دستی در غزل و دلی در سرایش نوحه‌های قدیمی دارد. ایشان در شب تاسوعا به دنیا آمده و به همین خاطر اسمش را عباس گذاشته‌اند. وی از سال ۱۳۶۱ در نوحه‌خوانی فعال است و در این باره می‌گوید: «نوحه به قولی نوک پیکان روضه و مجالس است. استاد مستقیم من در مداحی و چهارپایه‌خوانی حاج محمد طلاچی زرگر بود. ایشان هم از حاج ماشاءالله خان جلیلود خلیلی استفاده برده بود و همین طور از حاج مرشد اسماعیل. من خیلی از مرحوم طلاچی استفاده معنوی بردم. به طور غیر مستقیم از حاج اسماعیل زریباف و حاج اسماعیل چاووش نیز استفاده کردم. من دقت می‌کردم که چه قدر ایشان در یک فرصت کم روضه‌خوانی و چهارپایه‌خوانی می‌کنند و مردم را تهییج می‌کنند. حسنی که چهارپایه‌خوانی دارد، این است که می‌شود در آن مسائل سیاسی روز را هم چاشنی کار کرد و فقط روضه نیست. می‌شود مسائل اجتماعی را هم چاشنی کار کرد و در مسیر اهل بیت (ع) قرار داد.»

فلسفی بودند که به وعظ و سخنرانی می پرداختند. یک گروه هم مداحان بودند و گروهی هم در لباس روحانیت، روضه خوان بودند و در خانه ها و منازل روضه خوانی می کردند. آنها برای هر فصلی، هر مناسبتی و هر موسمی نوحه خاص آن زمان را داشتند و آن را در یک ردیف آوازی اصیل اجرا می کردند. خود اینها کار کرد الگودهی داشت. مراسم فاطمیه جدا بود، مسلمیه جدا بود، همین شیعی که الان در اوج قرار دارد و از موسیقی قوی ای برخوردار است و چیزی است که سال های متمادی اجرا می شود و ۱۰۰ سال دیگر هم اگر کسی آن را با موسیقی درست اجرا کند، گیرایی و جذابیت خودش را دارد و ماندگار است. ما از این گونه ها زیاد داریم؛ اما برخی از دوستان و همکاران ما این را اصلا نمی دانند.

بهتویی: در گذشته وقتی مرحوم اسماعیل خان مهرتاش «جامعه باربد» را برپا می کنند، هنرجویان به آن اقبال نشان می دهند و دستگاه ها و ردیف ها و گوشه ها را می آموزند. آن بزرگان احساس نیاز می کنند و در کنار آن، رسانه آن زمان هم پشتیبانی می کند و کار آنها را تبلیغ می کند. به واسطه این شما می بینید که استاد محمد منتشری یا جناب استاد شجریان و استاد رضوی که از آن جامعه برخاسته اند، مانده اند و روز به روز هم پویایی دارند. الان جناب محمد منتشری قریب به ۷۰ سال دارند و علاوه بر آوازهای بیات تهرانی که ایشان به زیبایی اجرا کرده اند، الان با مجید اخشابی دستگاه ها و گوشه ها را در دسترس جوانان قرار می دهد. چرا این رویه ادامه دارد؟ چون استاد اسماعیل خان مهرتاش با اقدامات خود بحث علمیت در موسیقی را آورد. در آن زمان آقای محمد کریمی کاست های آوازی را ارائه می دهد و بعد عبدالله خان دوامی که استاد محمد کریمی است هم کاری ارائه می دهد و با تشخیص این نیاز و کارهایی از این قبیل که انجام شد، جامعه باربد به هنرستان و سپس هنرستان به دانشکده تبدیل می شود. الان هم شاپور رحیمی به عنوان یکی از شاگردان جناب مرحوم محمود کریمی شاگردان بسیاری را تحویل داده است. در مداحی هم موسیقی باید علمیت پیدا کند؛ به این معنی که یک هنرستان یا یک دانشکده علمی - کاربردی با همه شق های

مداحی بدون تردید یک هنر است. هنر یعنی فن، فنی که هر کس نمی تواند اجرا کند

مختلف مداحی که یکی از آنها موسیقی و موسیقی سنتی و اصیل است، کار کند؛ ادبیات، ادبیات آیینی، تاریخ، مقتل، زیبایی شناسی های مداحی و ... شق های دیگر این حوزه است که همگی رویکردی تخصصی نیاز دارند. اصحاب رسانه و مدیران فرهنگی نیز باید دست به دست هم بدهند و مانند میرزا اسماعیل خان مهرتاش یک هنرستان و اگر ممکن است یک دانشکده علمی - کاربردی برپا کنند تا به صورت علمی با قضیه برخورد شود و تحت آموزش استادان دانشگاهی در حوزه های آواز، تاریخ، ادبیات آیینی و ... تدریس شود. پس از این نباید به هر کسی اجازه خواندن داده شود. در این حوزه کسانی باید انجام وظیفه کنند که آموزش دیده اند. اگر این اتفاق بیفتد، مداح در جامعه شخصیت پیدا می کند. رسانه هم علی القاعده پشتیبانی می کند و کار، علمی می شود. به این ترتیب - به امید خدا - یک مقدار مسائل جانبی حل خواهد شد. کما این که این نیاز جامعه هم هست. یک روزی صوت مرتفع باب بود؛ اما امروز دیگر یک قاری یا یک مداح برای خواندن به صوت مرتفع نیاز ندارد. او باید با واج آرای، هجاشناسی و معناگرایی بخواند. به قول استاد تاج اصفهانی که به آقای افتخاری گفته بود: «اول شما شعر را تحویل بده بعد صدایت را تحریر بده». کسی که موسیقی بلد نباشد، شعر و مطلب را حرام می کند و به واسطه چهر صدایی که دارد، فقط صدایش را پژواک می دهد. لذا ان شاء الله باید این کار علمی شود و من همین جا از استاد رضوی که حضور دارند و بزرگان دیگر نظیر ذبیح الله ترابی و حسام الدین سراج تقاضا می کنم با همکاری «بنیاد دعبل خزاعی» و دوستان دیگر در «خانه مداحان» برای این منظور کاری کنند. ما دست نیاز دراز می کنیم و ان شاء الله دوستان دریغ نکنند. به قول استاد علی انسانی عده ای به دلیل کهنوت سن و این که شخصیتشان شکل گرفته است، هیچ؛ اما برای جوانانی که مانند موم و خمیر بازی امکان تأثیر گذاری روی آنها هست و آموزش پذیر هستند، باید کاری کرد. این جوانان باید در یک هنرستان یا دانشکده به طور آکادمیک و علمی آموزش ببینند تا شاکله مداحی آنها شکل مناسبی بگیرد. ■



محمد علی بهتویی

محمد علی بهتویی متولد ۱۳۶۳ است. خدمت به اهل بیت (ع) را با نوحه خوانی شروع کرده است. به دلیل نزدیکی محل سکونت با حاج میرزا علی آهی و به واسطه شرکت کردن پدرشان در جلسات مذهبی، بهتویی از کلاس پنجم ابتدایی یعنی سال ۱۳۷۳ به نوحه خوانی رو آورد. در آن زمان وی ۱۳-۱۲ سال داشت. محمد علی بهتویی از محضر استادانی مثل حاج آقا آهی، حاج آقا اسداللهی، سید محسن حسینی، حاج غلامرضا سازگار و در دوران دانشجویی در مسجد دانشگاه از حاج سعید حدادیان بهره برده است.

گوشه های آوازی را نزد استاد روحانی آموخته و تحصیلات دانشگاهی او لیسانس الهیات و حقوق اسلامی است. کارشناسی ارشد قبول شده اما به دلیل مشغلاتی که در کسوت مداحی دارد موفق به ادامه تحصیل نشده و اکنون با تغییر رشته در گرایش ادبیات قصد ادامه تحصیل دارد. بهتویی درباره خودش می گوید: «از سال ۱۳۷۶ به محضر استاد سازگار رسیده ام و از جناب حاج میرزا علی آقا آهی که هم محل ما هستند، بسیار می آموزم. در زمینه انتخاب شعر هم لطیفه یابی و نکته سنجی ها را از استاد حاج علی انسانی کسب فیض می کنم.»



مداحان و سیاست در انتخاب یازدهم

محتاط و دوپهلو

پوریا شیرآشینی ■

که خیلی زود توسط سعید حدادیان تکذیب شد: «من در روزهای گذشته خبری شنیده‌ام که بنده و حاج منصور از سعید جلیلی در انتخابات ریاست جمهوری حمایت کرده‌ایم. این گفته‌ها تحت هیچ شرایطی صحت ندارد و من از آقای جلیلی هیچ حمایتی نکرده‌ام و قطعاً خبر حمایت من از آقای جلیلی کذب محض است.» روز ۲۱ خرداد، چند روز قبل از برگزاری انتخابات و در جلسه سه‌شنبه‌های منصور ارضی در حسینیه صنف لباس فروش‌های میدان مخبرالدوله هم تحت تاثیر حال و هوای انتخاباتی کشور قرار گرفت. آنجا که بخشی از صحبت‌ها، ارضی در حاشیه خواندن زیارت عاشوراء به انتخابات پرداخت و گفت: هر کسی پای صندوق بیاید احترام دارد. نگویید به آنهایی که رای دادیم چه شدند. وی در آن جلسه درباره هیچ کاندیدایی اعلام نظر شفاف نکرد، اما از غلامعلی حداد عادل، که دیگر از انتخابات کناره‌گیری کرده بود، با تعبیری چون پرهیزگار و مورد وثوق یاد کرد. البته حاج منصور ارضی تا پایان انتخابات نیز موضعی آشکار و مصداقی نگرفت و چند روز پس از برگزاری انتخابات در جلسه سه‌شنبه ۴ تیرماه در حسینیه صنف لباس فروش‌ها، درباره انتخاب حجت الاسلام حسن روحانی گفت: «همه منتظرند که این بنده و مخلوق خدا شروع به کار کنند و بعضی تیرهایشان را بگذارند به کمان و پرتاب کنند، همه هم می‌گویند که دیگری مقصره... هیچ کس نمی‌گوید خودم مقصرم... چه قشنگ گفت یک لات با صفايي به من که اینقدر نگران نباش؛ یک نهاد است دیگر! حکومت که نیست! حکومت اول دست خدا و امام زمان است، بعدش هم دست ولایت فقیه است! فقط خدا کند شیطننت و اذیت نکنند که مثل این هشت سال که چقدر اذیت شدیم سر خیلی از ماجراها و سران فتنه‌گراها و غیره و ذلک...» او درباره روی کار آمدن دولت جدید هم گفت: «حالا حرف‌های دوپهلو و چند پهلومی‌زنند، باید صبر کنیم و ببینیم که این دولت جدید چه می‌کند، دیگران که نابود کردند، این‌هایی که رفتند و تمام شدند واقعاً کاری کردند که دین مردم در خطر افتاد. همدیگر را دعا کنیم، اینکه ما دائماً بنشینیم در حال انتقاد باشیم، کاری از پیش نخواهد رفت. باید دعا کرد که آن شالاه دعا مستجاب خواهد شد. این غرور و منیت‌ها توانست این آقایان را جمع کند که یک نفر بشوند و بیایند روی کار. همه می‌گفتند منم، غیر از جناب آقای حداد، هیچ کس حاضر نشد و این حیف شد! حالا عیبی هم ندارد؛ ما با همه جور هاش ساختیم. باز هم صبر می‌کنیم.» ■

حضور مصداقی مداحان در عرصه سیاست کشور مان تاریخچه‌ای طولانی ندارد ولی آن قدر پر حاشیه بوده است که موضع‌گیری‌های آنها در فضای رسانه‌ای و سیاسی با واکنش مثبت و منفی محافل مختلف روبرو شده است. هم از آنها انتقاد شده است که منبر و مجلس ائمه اطهار را به مصداق‌های سیاسی که امروز و فردایشان مشخص و قطعی نیست، پیوند نزنند و هم تشویق شده‌اند که از سرمایه اجتماعی مجالس ائمه اطهار برای روشنگری سیاسی استفاده کرده‌اند. گذشت زمان هم به مرور نشان داده است که کدام نگرش عاقبت‌اندیش تر و دقیق تر بوده است.

مداحان مشهور و اسمی تهرانی در انتخابات یازدهم، نسبت به گذشته موضعی محتاطانه‌تر در خصوص اعلام حمایت از کاندیدها اتخاذ کردند و با تکرار کاندیدهای انتخاباتی، مواضع آنها نیز، اگر موضع شفاف‌تری گرفتند، متکثر شد. یکی از مداحانی که به صورت علنی حمایت خود را از یک کاندیدا ابراز کرد، عبدالرضا هلالی بود. هلالی از کاندیداتوری محمد باقر قالیباف حمایت کرد. او در همایش «تشکل‌های فرهنگی بانوان» که در حمایت از محمد باقر قالیباف در شهرستان کرج برگزار شد، مهمترین دلیل برای حمایت از قالیباف را این گونه عنوان کرد: هدف ما انتخاب شخصی است که سرباز خوبی برای ولایت باشد لذا می‌خواهیم رئیس جمهوری که انتخاب می‌کنیم هماهنگ‌ترین فرد با رهبر معظم انقلاب باشد. ما با بررسی تمامی کاندیدها و بررسی ملاک‌های مقام معظم رهبری و البته بررسی سوابق و عملکرد آنها، محمدباقر قالیباف را بهترین کاندیدای ریاست جمهوری دیدیم. مهدی سلحشور هم در آن ایام در جمع حامیان سعید جلیلی حاضر شد و به حمایت از او پرداخت.

بقیه مداحان البته ترجیح دادند که موضع شفاف نگیرند. مثلاً ابتدا با نشر یک فایل صوتی شایعه شد که حاج محمود کریمی از محسن رضایی حمایت کرده است، اما او به سرعت این خبر را رد کرد و گفت: «بنده در حال مکالمه تلفنی با یکی از نزدیکان بودم، که فردی بدون اجازه صدای من را ضبط کرده است... بنده هم به آقای قالیباف و هم آقای رضایی ارادت دارم!»

سعید حدادیان و منصور ارضی هم هر چند به شکل رسمی از هیچ کاندیدایی حمایت نکردند، اما از گوشه و کنار شنیده شد که رای آنها سعید جلیلی است. خبری

امامزادگان میقات الرضا (ع) راهنمای رهروان جاده دلدادگانی

در انتظار یک اتفاق نورانی

■ زهره کهندل ■

گاه باید با همه تنهایی ها و غصه های روزگار پناه برد به امامزادگانی که در این روزگار غم زده، دلگرم می کنند زائرانشان را. حاجت ها را قفل ضریح شان کرد و دمی در آنجا آرامش گرفت به امید تصفیه دل و جان از همه کج خلقی های روزگار، و اگر نبودند این امامزاده ها و آرامگاه ها، به وقت تنهایی کجا را داشتیم برای خلوتمان با خدا. اینان راهنمای وصال به کوی یارند، اینان میقات الرضایند.

خدمت به سوره مبارکه کوثر

«شناسایی بقاع قبور متبر که امام زادگان، تفسیر عملی سوره مبارکه کوثر است. اگر ذات اقدس اله در سوره مبارکه کوثر فرمود: «انا اعطیناک الکوثر» برای کوثر مصادیق فراوانی ذکر شده است حقیقت قرآن هست، حقیقت ولایت هست، حقیقت خلافت، امامت به مانند او خواهد بود اما آنچه که باز مینه نزول این سوره مبارکه تناسب دارد در ذیل این سوره هم به آن مینه اشاره شده است. «ان شائک هو الابر» آن است که دوده طاها و اسره یس علیهم صلاه و علیهم السلام، کوثر یعنی مانا و پویایند و تاقیامت این دودمان می ماند.»

تاویل های پاگویی شده بخشی از تن زائران پیاده. گاهی دردی جانانه، راه می کشد لایه لای انگشتان پا و تازانوها قد می کشد اما سست شان نمی کند. نیرویی به این پاها برای حرکت توان بخشیده است که طی مسافت چند کیلومتری جاده دلدادگی را بر آنان ممکن می کند، نیرویی که با دو رکعت نماز در یکی از امامزادگان مسیر، شعله اش در جان دوباره گر می گیرد. مسافت اگر چه طولانی است اما بقاع متبر که هستند تا دمی آسایش به زائران کوی رضا (ع) ببخشند، چه آنها که با پای پیاده نیت کرده اند مسافر این جاده شوند و چه آنها که زمینی، راهی این سفر آسمانی شده اند.

میقات، مکانی برای احرام بستن است، جایی برای آماده شدن دل و جان. برای همین است که بقاع متبر که واقع در مسیر سفر به مشهد، میقات الرضایند؛ امامزادگانی که سرزمین خورشید را در حصاری از نور دربر گرفته اند. این امامزادگان میقات اند تا زائران را در مسیر الی الله قرار دهند و رضایشان به رضای الهی است تا در مسیر وصال یار به بارگاه یکی از محبوب ترین اشرف مخلوقات خدا، او را به چشمه رضای الهی وصل کنند.



این بخشی از پیام آیت‌الله عبدالله جوادی آملی به همایش علمی فرهنگی میقات الرضا(ع) در سال گذشته است. ایشان در ادامه پیامشان آورده‌اند: «نام مبارک ائمه عصمت و طهارت علیهم السلام ماندگار است و وجود مبارک ولی عصر ارواحنا له فدا به عنوان بقیه‌الله مطرح خواهد بود. بنابراین شناخت این بقاع متبرکه و قبور پر برکت تفسیر عملی سوره کوثر است.

نکته دیگر آن است که باید خیلی دقیق بود تا بیگانه‌ای وارد نشود تا زمانی که آشنایی خارج نگردد. نه افراطی در کار باشد، نه تغریبی، نه خوش بینی در کار باشد و نه بدبینی. محققانه، پژوهشگرانه، عالمانه، هم از منظر تاریخ و هم از منظر سندهای شجره‌ای شناخته بشود که این بقعه متبرکه که مال کدام از امامزادگان عصمت و طهارت است تا حرمات این شجره طیبه محفوظ بماند. اگر دقیق نباشیم و بیگانه‌ای به ایمن حرم امن راه پیدا کند یا آشنایی از این حرم امن خارج شود، خسارتی است در سوره کوثر.

نکته بعد آن است که ما باید کاملاً بررسی کنیم، تفاوت بین تکاثر و کوثر در چیست؟ آن کثرتی که به وحدت ختم نشود، آن کثرتی که از وحدت دل مایه نگیرد، آن کثرتی که ما را به توحید نرساند می‌شود تکاثر مذموم. آن کثرتی که هم از وحدت نشأت گرفته و هم به وحدت می‌رسد و در راستای توحید ذات اقدس اله است که به وسیله قرآن و عبرت ائمه معصومین علیهم السلام به ما تلقین شده است، آن می‌شود کوثر.

مطلب بعدی آن است که این بزرگواران کوثر بودنشان در حیات و ممات محفوظ است. تکاثر می‌میرد، ولی کوثر نمی‌میرد، بلکه تکاثر در زمان حیاتش مرده است و کوثر بعد از آن مرگ هم زنده است، بلکه اصلاً مرگ ندارد. این ذوات قدسی که کوثر الهی اند مشمول «ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لالله رب العالمین» اند، البته معصوم‌های آنها در قله قرار دارند، عادل‌های آنها در مراحل میانی قرار دارند و شاگردان آنها در مراحل ابتدایی. به هر تقدیر محیای اینها، محیای دینی بود و ممات اینها، ممات دینی بود. اینها ناشران علوم اهل بیت بودند اسامی حسنی اهل بیت علیهم السلام راه، روش و منش آن ذوات مقدس را برای منطقه خود تبیین کردند و آنها هم تشیع را پذیرفتند و ولایت‌مدار شدند. ممات اینها هم، برکت است قبر اینها هم، «روضه من ریاض الجنه». این کار و زین و علمی که اوقاف استان خراسان رضوی انجام می‌دهد از کارهای پر برکتی است که مناسب است که سایر استان‌ها هم همین کار را بکنند و آن نکته عمیق و علیق را فراموش نکنند. شجره مشخص، علم الانساب مشخص تا هیچ امامزاده‌ای از قلم نیفتد و بیگانه‌ای هم وارد این حریم نشود. این کار برکات دنیایی خواهد داشت. برکات اخروی خواهد داشت. زیرا اینها حیات و ممات‌شان را برای دین صرف کردند و تشکیل چنین ستادی و همایشی تدوین علم الانساب، تنظیم شجره سیادت این بزرگواران همگی در راستای تفسیر کوثر سوره مبارکه کوثر است. انشاءالله.»

خانه‌های رفعت و عظمت

آیت‌الله حسین نوری همدانی، دیگر مرجع تقلید شیعیان نیز در پیامی به همایش علمی و فرهنگی میقات الرضا آورده‌اند: «خداوند متعال در سوره نور بعد از اینکه بابتان «الله نور السموات والارض»، خدا را نور و روشنی آسمان‌ها و زمین معرفی می‌کند، می‌فرماید: «فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذكر فیها اسمهم»، یعنی نور خدا بر خانه‌هایی است که خداوند رخصت داده و خواسته است که آن خانه‌ها را رفعت و عظمت پیدا کنند و نام مبارک خدا در آن خانه‌ها برده شود. حضرت باقر(ع) در تفسیر این آیه (آیه ۳۶ سوره نور) فرمودند: منظور از این خانه‌ها، خانه پیامبران و امامان علیه السلام است. (یعنی مشابه مشرفه)

بنابر این زوار محترمی که راه مشهد مقدس را پیش گرفتند، شایسته است به این موضوع توجه کنند و قبور مطهر امامزادگانی که در بین راه وجود دارد، به زیارت آنها نیز بپردازند و از این گلبهار بوی گل را استشمام کنند و احترام و عظمت

آنها را در نظر بگیرند و در آن مکان‌های مطهر نیز به عبادت قیام نمایند.

خصوصاً پس از تأکیدی که از طرف رهبر معظم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامت برکاته به عمل آمده است که امامزادگان مکرّم قطب فرهنگی باشند و متصدیان محترم اوقاف که با توفیق خداوند با مدیریت صحیح و کوشش فراوان این موضوع مهم را عملی ساخته‌اند و مضجع هریک از امامزادگان محترم را یک قطب فرهنگی ساخته و در آنجا وسایلی برای آشنائی بیشتر به معارف اهل بیت عصمت(ع) و ارائه فرهنگ اسلام که امور عبادی آن با مسائل سیاسی و اجتماعی نیز توأم است، فراهم نموده‌اند.

اکنون که این اقدام شایسته از طرف متصدیان محترم اوقاف صورت گرفته است سزاوار است که زوار محترم از برکات و آثار معنوی این زیارتگاه‌ها در راه تقرب به خداوند و خودسازی استفاده کنند. زاهدان الله توفیقاً»

میقات و معراج در کوی رضا

در طرح میقات الرضا(ع) بارگاه امامزاده‌هایی که همجوار یا در فاصله یک تا پنج کیلومتری جاده اصلی سفر زائران رضوی به مشهد مقدس قرار دارند، ساماندهی و بازسازی شده و نسبت به فراهم آوردن امکانات خدماتی، رفاهی و فرهنگی برای زائران حرم رضوی اقدام می‌شود. در این طرح که خراسان رضوی پیش‌تاز اجرای آن در کشور است، می‌توان با توسعه فعالیت‌های دینی و مذهبی، بقاع متبرکه و امامزاده‌ها(ع) را به قطب فرهنگی و عاملی برای جذب گردشگر مذهبی تبدیل کرد.

افزایش معرفت نسبت به ائمه(ع) و امامزاده‌ها(ع)، ایجاد آمادگی معنوی و بسترهای لازم جهت زیارت امام رضا(ع)، ترویج فرهنگ و اخلاق رضوی، ترویج، گسترش و تقویت فرهنگ زیارت و ارائه امکانات خدماتی و رفاهی به زائران امام رضا(ع) از دیگر اهداف و فواید اجرای این پروژه ملی است.

نصب تابلوهای راهنمای میقات الرضا در مسیرهای منتهی به مشهد برای زائران رضوی، یکی از اتفاقات نیکویی است که توسط اداره کل موقوفات و امور خیریه خراسان رضوی انجام شده است. ۳۱ امامزاده و بقعه متبرکه در استان خراسان رضوی طی مسیر زیارتی تا تشریف به بارگاه ملکوتی حضرت رضا(ع) وجود دارد که در ادامه چند امامزاده و بقعه متبرکه که در طرح میقات الرضا(ع) معرفی می‌شوند.

آرامگاه دوبرادر

اگر قصد زیارت حرم امام رضا(ع) را کرده باشید و مسیرتان از سمت طریقه - شاندریز باشد، بعید است که سری هم به زیارتگاه امامزادگان سید یاسر و سید ناصر ننید. مقبره این امامزادگان در حدود ۵ کیلومتری از مشهد به سمت طریقه در سمت چپ جاده و با فاصله‌ای حدود ۴۰۰ متر از آن، واقع شده، مزارهایی که منتسب به دو تن از فرزندان امام موسی بن جعفر(ع) است. این دو مقبره در گذشته دارای بنایی ساده با یک ایوانی کوچک بود و اکنون به همت اهالی گلستان بازسازی و مرمت شده است. اگر هم اخیراً به این زیارتگاه آمده باشید، تفاوت آن را نسبت به سال‌های گذشته متوجه می‌شوید. این امامزادگان به لطف توجه اهالی منطقه، ندورات زائران و مدیریت متولیان، توسعه چشمگیری یافته است.

بی بی مهر بانی

هر بقعه متبرکه و امامزاده‌ای در هر نقطه‌ای از کشور، ماجرای خودش را دارد. در شهرستان تربت حیدریه در محله‌ای به نام حسنی، بقعه مبارکه و مزار شریف بی بی حسنیه بانوی دانشمند و با فضیلتی است که ۱۰ سال شاگرد و خدمتگزار امام صادق(ع) بود و پس از شهادت امام صادق(ع) محضر امام کاظم(ع) و امام رضا(ع) را نیز درک کرده است. بقعه مبارکه بی بی حسنیه در داخل شهر تربت حیدریه در منطقه حسنی در قسمت شرق واقع شده و فاصله آن تا جاده

مشهد حدود ۲ کیلومتر است. مزار بی بی حسنیه در گذشته دارای گنبد کوچکی بوده که به همت مردم خیر و اداره اوقاف بنای قبلی بازسازی و بنای جدید با وسعت مناسب ساخته شد. بنای فعلی این بقعه در برگیرنده حرم و شبستان و سالن زیرزمینی برای دفن اموات است.

به نام بانو شطیبه

آنها که با مشاهیر و نام آوران شهر نیشابور آشنا نیستند، بعید است که نام بانو شطیبه را شنیده باشند. بی بی شطیبه یکی از زنان فاضل نیشابوری بود که مورد عنایت خاص امام موسی کاظم (ع) در قرن دوم هجری قرار داشت. اکنون بنای آرامگاه این بانوی فاضل در میدانی به نام همین بانو در انتهای غربی خیابان امام خمینی در شمال غرب شهر نیشابور قرار دارد. بقعه بی بی شطیبه داخل این میدان قرار گرفته است. از تاریخ اولین بنا یا آرامگاه ساخته شده بر مزار این بانو، اطلاع دقیقی در دست نیست ولی احتمال می رود پس از تجدید حیات شهر بعد از زلزله ویرانگر سال ۸۰۸ هجری قمری بنای یادبود دیگری بر مزار بانو احداث شده و آن نیز در طی سال های بعد مسلمانا بارها تعمیر و بازسازی شده باشد. آخرین بنا، بنای چهار گوش، مسقف (خانه) و کوچک از خشت و گل بوده که در گوشه قبرستان قدیمی واقع شده و قدمتی حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال داشته است. البته در سال های اخیر این بقعه وسعت پیدا کرده و ساختمانی بزرگتر و مجهز تر با کتیبه های کاشی کاری شده و گنبدی فیروزه ای را شامل می شود. اگر چه ظاهر بنای این بقعه ساده است اما آنچه بیش از همه توجه زائران و مسافران را به خود جلب می کند تابلوی زندگینامه و شخصیت این بانوی مدفون در بقعه است.

قدوم مبارک آقا

بقعه قدمگاه، در دامنه جنوبی کوهستان (بینالود) و رو به دشت نیشابور قرار گرفته است. از نیشابور حدود ۲۴ کیلومتر و از مشهد حدود ۱۰۰ کیلومتر فاصله دارد. این مکان را زمانی منسوب به شاهپور کسری سپس حضرت علی (ع) و پس از آن امام رضا (ع) دانسته اند. باغ قدمگاه در زمان شاه عباس اول صفوی احداث و به دستور وی ۲۸ درخت کاج نی در آن زمان در آن کاشته شده است. پایان ساختمان بقعه قدمگاه، رباط، حمام و جدول کشی باغ مربوط به شاه سلیمان صفوی به سال ۱۰۹۱ هجری قمری است. این باغ در زمان صفویان جزو باغ های معتبر و زیبای ایران بوده که در دوره قاجاریه و پهلوی به صورت جدی دچار آسیب دیدگی و بعضا غارت های شدید شده و با وجود اینکه آن آبادانی گذشته را ندارد ولی هنوز هم از صفای آن کاسته نشده است. در ایوان جنوبی باغ، مقرنس زیبایی به کار رفته و در گذشته ایوان شمالی هم (که اکنون وجود ندارد) دارای این مقرنس کاری بوده است که با اهمال مسئولان وقت اداره اوقاف نیشابور، در جریان مرمت بنادر دهه ۴۰ آسیب دیده و از بین رفته است. پس از پیروزی انقلاب و به ویژه در سال های اخیر، بازسازی این بقعه در دستور کار متولیان سازمان اوقاف قرار گرفته است.

محروق نیشابور

امامزاده محمد محروق فرزند امام زین العابدین (ع) بود که در پی قیامی ضد خلیفه وقت، شهید شد. پیکر او را به آتش کشیدند و خاکسترش را در محله تلاجر داز محله های قدیم نیشابور به خاک سپردند. از همین رو به محروق یعنی سوخته شده معروف شد. بقعه این امامزاده در فاصله ۲ کیلومتری در مجاورت مرقد شاعر نامی ایران خیام قرار گرفته است که فضای سبز درختان سر به فلک کشیده اطراف بقعه، فضایی مناسب برای مشتاقان اهل دل فراهم کرده است. در فرم، نما، مصالح و رنگ عمارت به گونه ای عمل شده که گویی این عمارت همانند گلی مستغرق در باغی سبز است. این عمارت مقاوم، زیباترین کوشک را در باغ های ایرانی به خود اختصاص داده است. شرق باغ، آرامگاه حکیم خیام،

فیلسوف و ریاضیدان و منجم بزرگ مسلمان را در خود جای داده که مقصد بسیاری از ایرانیان و جهانگردان است.

دومناره خشتی

امامزاده شعیب در گذشته بعد از برج و بارو و خندق جنوب شهر سبزوار قرار داشت ولی در حال حاضر در داخل شهر و در جنوبی ترین خیابان سبزوار جای گرفته و زیارتگاه مشتاقان و دوستداران است. امامزاده شعیب دارای صحن و حرم و دو مناره است. دور تادور صحن امامزاده حدود سی و پنج حجره وجود دارد که بعضی از آنها مدفن اهالی سبزوار و حجرات دیگر به عنوان دفاتر اداری و زائر سرا استفاده می شود. دو مناره حرم نیز که در دو زاویه شمال غربی و جنوب شرقی صحن امامزاده قرار گرفته، از نوع خشتی ساده هستند. بنابر شواهد و شنیده های تاریخی امامزاده شعیب، برادر امام رضا (ع) است. این بقعه از یک طرف به دلیل انتساب به علی بن موسی الرضا (ع) و اعتقادات عمیق مذهبی مردم در طول سال و به ویژه روز های چهارشنبه مورد توجه مردم این شهر است. مردم حتی از شهر و روستاهای اطراف برای زیارت و ادای نذر و نیاز های خود به امامزاده شعیب مشرف می شوند. از طرف دیگر شهرستان سبزوار به دلیل قرار گرفتن در دروازه ورودی استان خراسان رضوی و شاهراه ارتباطی تهران - مشهد در طول سال، مسیر عبور میلیون ها زائر و مسافری است که به عشق زیارت بارگاه رضوی وارد استان می شوند و معمولاً در مسیر شان، راه خود را به داخل شهر سبزوار تغییر کرده و ساعاتی را برای زیارت و استراحت در امامزاده شعیب می مانند

مدفن پنهان

در فاصله ۵ کیلومتری شمال کاشمر در دامنه کوه های معروف هفت شاخ، در منطقه ای ییلاقی و چشم نواز، بارگاه منوری خودنمایی می کند؛ این بقعه، منسوب به امامزاده سید ابراهیم اصغر (ع) یا همان سیدمرتضی، کوچک ترین فرزند امام موسی کاظم (ع) است. وی پس از شهادت برادرش امام رضا (ع) در سده دوم هجری توسط امویان در همین مکان به شهادت رسیده است. در حال حاضر بر سر قبر امامزاده سیدمرتضی (ع) آرامگاه با شکوهی به سبک معماری عصر صفوی بنا شده است. در سالن مجاور مرقد مذکور، روی سنگی حجاری شده، چنین آمده است: «بانی این مرقد شریف گردید نواب عالی شاهزاده خانم بنت غفران پناه شاهزاده کی خسرو میرزا». سال بنای این بقعه ۱۲۷۳ هجری قمری ذکر شده، اما در فاصله سال های ۱۳۵۴-۱۳۵۶ هجری شمسی این بنا، تخریب و به شکل معماری عصر صفوی، تجدید بنا شد. پس از آن در سال ۱۳۹۹ هجری قمری بنای اصلی بقعه شامل یک ایوان ورودی کاشی کاری شده با دو ماذنه در طرفین



امامزاده سید ابراهیم اصغر (ع)

ایوان و گنبدی فیروزه‌ای رنگ بر فراز آن توسط واقف خیر مرحوم مهندس فتحی ساخته شد. البته در این که قبر مطهر این امامزاده کجاست، بین سیره‌نویسان، اتفاق نظری وجود ندارد و شهرهای همچون بغداد، نیشابور، مشهد و... به عنوان محل دفن ایشان آورده شده است. این بقعه پذیرای خیل عظیمی از زائران و گردشگرانی است که از اقصای نقاط کشور و به ویژه شهرها و روستاهای نزدیک به آن جاشمرف می‌شوند.

زیارتگاه عاشقان

در مرکز شهر کاشمر، در باغی مشهور به باغ مزار، بقعه متبرکی وجود دارد که منسوب به سید حمزه (ع) فرزند موسی الکاظم (ع) است. روبه‌روی صحن این امامزاده، درختان سرو کهنسالی به چشم می‌خورند که قدمت برخی از آنان را بیش از هشتصد سال عنوان کرده‌اند. بنا به اظهارات مدیریت مجموعه، این باغ متعلق به فردی به نام سالار صحرابوده که پس از شهادت امامزاده حمزه، ایشان را در بلندترین نقطه باغ خود دفن می‌کند. چندین سال این بقعه پنهان بوده تا اینکه توسط شخصی به نام سلطان کریم خان، آباد می‌شود. مدفن خود او نیز داخل سالن اول مجموعه است. در مدخل صحن نیز، قبور شهدای گلگون کفن انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی قرار دارد که شکوه خاصی به بقعه متبرک بخشیده است. هر چند اقوال مختلفی مبنی بر دفن سید حمزه (ع) در اماکن دیگری وجود دارد و حتی مقابر و آرامگاه‌هایی هم با همین نام در سیرجان، قم، شیراز، مدینه منوره، چهار فرسنگی کربلای معلی و... وجود دارد ولی برخی از مورخان، قبر ترشیز (کاشمر) را واقعی‌تر می‌دانند. بر روی دیوار یکی از شبستان‌های امامزاده سید حمزه (ع) تابلویی قرار دارد که راجع به اصل و نصب امامزاده سیدمرتضی و سید حمزه چنین نوشته است: «...برادران سیداحمد و سیدابراهیم اصغر ملقب به مرتضی بن موسی الکاظم (ع) و حمزه بن موسی به سمت ترشیز گریختند و در آن جا مدفونند که قبرشان زیارتگاه عاشقان آل الله است.» جالب است بدانید، محوطه سرسبز این بقعه نیز چنان برای مردم دل‌انگیز است که در کنار زیارت، سیاحتی هم داشته باشند. به گفته مسئول بقعه، اواخر هفته و به خصوص پنجشنبه و جمعه امامزاده آنقدر شلوغ است که به سختی می‌توان جایی برای نشستن در فضای چند هکتاری باغ پیدا کرد.



امامزاده یحیی (ع)

آرامگاهی در دامنه کوه

میامی، روستایی زیبایی است از توابع بخش رضویه شهرستان مشهد. در یک کیلومتری این روستا بقعه متبرک امامزاده یحیی (ع) قرار دارد. این بقعه در یک دهه اخیر، توسعه و پیشرفت چشمگیری داشته است. امامزاده یحیی یکی از فرزندان زید و نواده امام زین‌العابدین (ع) است. مادرش ریطه دختر ابی هاشم عبدالله بن

محمد حنیفه است. وی در سال ۱۰۷ هجری قمری متولد شد. یحیی چون برای ادامه مبارزات خود علیه بنی‌امیه امنیت جانی نداشت از نینوا [کربلا] به مدائن و از آن جا به خراسان هجرت کرد. سرانجام در جوزجان از توابع خراسان قدیم (واقع در افغانستان کنونی) در سال ۱۲۵ هجری قمری در ۱۸ سالگی به شهادت رسید. بقعه مبارک امامزاده یحیی با نام «میامی» در جاده سرخس و به فاصله ۵۰ کیلومتری مشهد است. این آرامگاه در دامنه کوهی به فاصله یک کیلومتر از قریه میامی واقع شده است. بنای ساختمان و گنبد آجری آن متعلق به قرن دهم هجری قمری است. مقبره این امامزاده داخل یک ضریح فولادی که با ورقه‌های طلا و نقره و کتیبه‌ها و کنده کاری‌ها زینت یافته است، قرار دارد. ساختمان مزار آیینی کاری شده و چهلچراغ‌ها و جارها بر شکوه آن افزوده‌اند. مزار امامزاده دارای صحن و سرا و امکانات رفاهی و اقامتی است.

امامزاده‌ای مشرف به اجابت

امامزاده سلطان محمدعابد، جایی در ۲۲ کیلومتری جنوب شهر گناباد بر فراز تپه‌ای مشرف بر کاخک واقع شده است. مرحوم شیخ عباس قمی در ذکر مرحوم کرباسی از مدرسین مدرسه حسنیه کاخک می‌نویسد: «کاخک یکی از قراء خراسان است نزدیک گناباد، گویند از جویمند تا آنجا چهار فرسخ است مشتمل بر آب جاری و باغات خوش آب‌وهواست و مزار امامزاده سلطان محمد برادر امام رضا (ع) در آنجا واقع شده است. آثار بقعه و ایوان دارد و بسیار باروح است...» در اینکه سلطان محمد عابد امامزاده هستند و دارای کرامت هیچ شکی وجود ندارد. تنها اختلاف جزئی در نسب ایشان است که قرائن تاریخی این شخصیت را برادر حضرت رضا (ع) معرفی کرده، که بعد از شهادت آن حضرت توسط ماموران حکومت عباسی در قصبه کاخک به شهادت می‌رسد. این مزار در زمان صفویه مورد توجه واقع شد و در آن زمان، به طور کامل مرمت و گنبد آن کاشی شد و در سال ۹۸۰ هجری قمری توسط علی عبدالواحد حسینی قایمی پایان یافت. امامزاده محمد در بین مردم شهرستان گناباد و بخصوص اهالی شهر کاخک بسیار قابل احترام بوده و اعتقاد زیادی به ایشان دارند. در اواخر هفته زائران زیادی از نقاط مختلف شهرستان در این بقعه حضور می‌یابند تا ساعاتی را در کنار امامزاده به راز و نیاز و ادای نذر خود بپردازند. این بقعه به عنوان مرکز برای عزاداری‌های ایام عاشورا و ربیعین شهرستان و مناطق اطراف است.

دیدار با برادر امام رضا (ع)

در زمان خلافت مأمون پس از خبر شهادت امام رضا (ع) در شهر طوس، سادات هاشمی در مدینه و مکه بعنوان خونخواهی و انتقام به طوس عزیمت کردند. در جنگی که در گرفت بسیاری از سادات و امامزادگان به شهادت رسیدند و برخی هم متفرق شدند که بعد از شناسایی، توسط سپاهیان مأمون شهید شدند. در میان این گروه، امامزاده ابراهیم نیز بودند که در شهر کهنه (قوچان قدیم) به وسیله شخصی بنام سلمان جوینی به شهادت رسید. بدن مبارک ایشان را در چاهی انداختند که بعد از گذشت سال‌ها به صورت آرامگاهی برای مشتاقان و ارادتمندان خاندان پاک نبوی مبدل شده است. در واقع مهمترین ارزش تاریخی و مذهبی شهرستان قوچان وجود مرقده مطهر امامزاده سلطان ابراهیم است. ساختمان بقعه در طول سال‌های متوالی در حوادث تاریخی چندین بار تخریب و مجدداً بازسازی شده است. در مورد نسبت امامزاده سلطان ابراهیم بعضی معتقدند که ایشان پسر امام موسی بن جعفر (ع) و برادر امام رضا (ع) هستند و دلیل آن، نوشته‌های است که روی ضریح چوبی مرقده آن بزرگوار حک شده و قدمت آن بیش از ۷۰۰ سال است. گنبد فیروزه‌ای و گلدسته سر بر آسمان کشیده این امامزاده، هر بیننده‌ای را جذب خود می‌کند تا نویدبخش آسایش و آرامش در فضای داخلی این بقعه متبرک با آیینی کاری‌های زیبا به او باشد. ■



تاملی بر حدیث «عنوان بصری» به مناسبت سالروز شهادت امام صادق (ع) ... و بدان که تو مالک هیچ چیز نیستی

■ سعیده محبی ■

سر باز می‌زنند؛ اما با اصرارهای عنوان، سرانجام او را می‌پذیرند و این پذیرش مقدمه‌ای می‌شود برای ایراد حدیثی مفصل در باب «حقیقت بندگی و علم» که معروف می‌شود به حدیث «عنوان بصری».

انت المالک و انا المملوک

امام صادق (ع) در همان ابتدا خطاب به عنوان بصری به موضوع حقیقت علم اشاره می‌کند که: «علم به آموختن نیست، علم نور است و در قلب کسی قرار می‌گیرد که خداوند تبارک و تعالی هدایت او را اراده فرموده باشد. بنابراین اگر علم می‌خواهی باید حقیقت عبودیت (بندگی) را در وجود خودت بخواهی.» سپس عنوان بصری درباره حقیقت عبودیت و بندگی از حضرت سوال می‌کند و حضرت در پاسخ به سه نکته اشاره می‌کنند؛ اول اینکه بنده در مورد آنچه

توصیه‌ها و دستور العمل‌های امام صادق (ع) به آرزومندان سیر و سلوک الی الله در قالب روایتی نسبتاً طولانی به «عنوان بصری»، پیر مرد سالخورده‌ای که ۹۴ سال از عمرش می‌گذشت، آنقدر حاوی نکات نفوذ و قابل تاملی در مباحث اخلاقی و تهذیب نفس است که بسیاری از علما و بزرگان اخلاق اهتمام خاصی به این روایت داشته و دارند. شاید برجسته‌ترین شان علامه سیدعلی قاضی بوده که به شاگردانش دستور نوشتن و عمل به آن را می‌داده است.

ماجرای آنجا شروع می‌شود که عنوان بصری که سال‌ها نزد انس بن مالک شاگردی کرده و معارف اهل بیت (ع) را نزد او فرا گرفته بود با آمدن امام صادق (ع) به مدینه نزد حضرت رفت و آمد می‌کرد تا همانطور که از مالک فرا گرفته بود از حضرت علم فراگیرد. امام ابتدا به دلایلی از پذیرفتن عنوان



خودشان عبد خودشان بودند. «الا بذكر الله تطمئن القلوب». اگر هر آن مالک و مدبر امورم خدا باشد، یک لحظه ناامیدی‌ها و یاس‌ها که اپیدمی آخرالزمان شده، سراغمان نمی‌آید. ریشه همه اینها خودرأیی‌هاست. باید بدانیم هر مالکیتی، برای انسان اضطراب‌آور و سبب دوری از خداوند می‌شود. ما هر قدر از این مالکیت‌ها فاصله بگیریم و به مبداء وصل شویم، آرامش می‌گیریم.

حفظ کن و به خاطر بسپار

عنوان که تشنه فراگیری علم از امام صادق (ع) است فرصت حضور در محضر حضرت را غنیمت می‌شمرد و از ایشان درخواست توصیه در مسیر سیر و سلوک می‌کند. حضرت او را به ۹ چیز وصیت می‌کنند که سه مورد آن در ریاضت و تربیت نفس است و سه مورد آن در حلم و بردباری و صبر و سه امر دیگر در علم و دانش. ایشان سپس توصیه می‌کنند که: این وصایا را حفظ کن و به خاطر بسپار و مبادا در عمل به آن سستی کنی. آنچه در ریاضت نفس است: ۱- مبادا چیزی را بخوری که به آن اشتها نداری چون موجب حماقت و نادانی می‌شود. ۲- تا گرسنه نشدی چیزی نخور ۳- زمانی که غذایی خوردی بانام خدا و حلال باشد.

آنچه در مورد حلم و بردباری است: ۱- اگر کسی به تو گفت که اگر یکی بگویی ده تایی شنوی، به او بگو اگر ده تا بگویی سخنی هم نمی‌شنوی ۲- اگر کسی به تو دشنامی داد به او بگو اگر راست می‌گویی از خداوند می‌خواهم مرا ببخشد و اگر دروغ می‌گویی از خداوند می‌خواهم تو را ببخشد. ۳- اگر کسی تو را تهدید به دشنام کرد تو او را به خیر خواهی و مراعاتش وعده ده.

و اما آن سه امر دیگر که در علم و دانش است: ۱- آنچه را که نمی‌دانی از عالمان بپرس و مبادا برای به زحمت انداختن و امتحان کردن‌شان سوال کنی. ۲- مبادا بر اساس خودرأیی دست به کاری بزنی که علم‌نداری و در تمامی امور تا آنجا که ممکن است مسیر احتیاط را راه‌نکن. ۳- همان گونه که از شیر درنده فرار می‌کنی از فتوی دادن بپرهیز و گردن خود را پل عبور مردم نکن. ■

پروردگار به او سپرده برای خودش مالکیتی نبیند، چرا که بندگان ملکی ندارند. ادراک مملو کیت در برابر مالکیت خداوند یعنی رسیدن به حقیقت علم. یعنی ادراک «انت المالك و انا المملوك» که در مناجات حضرت علی (ع) در مسجد کوفه آمده است. تا وقتی من خودم را مالک همه چیز از اعضا و جوارح تا پدر، مادر، فرزند، لباس و... می‌دانم و مالک همه چیز هستم پس علم از وجود ما رخت برمی‌بندد.

تدبیر همه امور را به او بسپار

نکته دوم که امام به آن اشاره می‌کنند در باب تدبیر امور است. این که: «بنده خدا برای خودش مصلحت‌اندیشی و تدبیر نمی‌کند.» ادراک «اذا المملوك» یعنی سپردن همه امور به خدا. این یعنی ورود به مرحله دوم عبودیت و سپردن تدبیر همه امور به مدبر. ادراک مملو کیت، تدبیر در امور را از ما می‌گیرد. یعنی درک حقیقت «افوض امری الی الله» در همه امور. متأسفانه توکل به امری خیالی و ذهنی در عرف مردم تبدیل شده است. همه می‌گویند توکل به خدا ولی در همه نقاط زندگی فضولی دارند. اما اگر از عیدی که به حقیقت عبودیت و علم رسیده، مالکیت را بردارید، چه می‌ماند؟ هیچ، او عین الربطی خودش را به مالک حقیقی ادارا می‌کند. بنابراین مانع اصلی ما در رسیدن به عبودیت و حقیقت علم، ادراک مالکیت برای خودمان است. درک این موضوع، ریشه رفع تمام مباحث اخلاقی است. ریشه تمام حسادت‌ها کینه‌ورزی‌ها، بخل‌ها و... در این است که ما احساس مالکیت به همه چیز می‌کنیم و فکر می‌کنیم مالک آن هستیم.

اشتغال زندگی‌ات امر و نهی مولی شود

«تمام اشتغال او در کاری منحصر می‌شود که خداوند او را به آن امر یا از آن نهی فرموده است.» و این نکته سومی است که حضرت درباره حقیقت عبودیت به آن اشاره می‌کنند. عمل به اوامر خدا برای این است که مشغولیت‌های مختلف را از ما بگیرد. وقتی من خودم را مالک فرزندانم می‌دانم تلاش می‌کنم که چطور او را حفظ کنم. آن وقت وقتی بچه‌ام دو تا و سه تا شد این هم و غم و تلاشم بیشتر می‌شود، اما وقتی بفهمم من مالک او نیستم و او مال خداست، اشتغالات زندگی‌ام متوجه اوامر و نواهی خدا می‌شود. وظیفه از جایی که مالک نباشی شروع می‌شود. با ادراک مملو کیت، تدبیر امور دست خدا می‌رود. هوای عبد فقط هوای مولی است. اینکه در مورد سلمان گفته‌اند که هوای سلمان هوای امیرالمومنین بود یعنی اینکه دلش آنچه را می‌خواست که امیرالمومنین، می‌خواست. وقتی فرد به این مرحله رسید تمام وجود متصل به حق می‌شود و نوری در درون عبد می‌افتد. یعنی با ادراک مملو کیت نوری در درون عبد می‌افتد که تمام وجه‌های زندگی را با نوری که در درونش افتاده، می‌بیند. حقیقت «یا ایها الناس انتم الفقرا الی الله» را درک می‌کند، چرا که به محض ادراک فقر وجودی، حقیقت غنای مالک حقیقی بر عبد آشکار می‌شود. تمام این حدیث اثبات مالکیت خداست. وقتی در سختی‌های مسیر عبودیت قدم نمی‌گذاریم، عدم اطمینان قلب و بیماری‌های روانی به سراغمان می‌آید. چرا؟ چون خودمان تدبیر امورمان را به دست گرفتیم و عصیان کردیم. عصیان گران کسانی‌اند که



نوآوری لازمه رشد ادبیات آئینی است

گفت و گو با علی معلم دامغانی

■ سمیرا شاه‌قلی ■

علی معلم دامغانی از شاعران برجسته معاصر است؛ استحكام زبان او به شاعران سبک خراسانی، پیچیدگی بیانش به شاعران سبک هندی و مضمون پردازی کلامش در غزل، به شاعران سبک عراقی می‌ماند. او شیوه خود را در شعر، تمام و کمال شیوه عراقی می‌داند. معلم در سال ۱۳۳۰ در دامغان متولد شد و پس از اخذ دیپلم از سمنان و شاهرود به تحصیل در دانشکده‌های حقوق و علوم انسانی تهران پرداخت. وی در نخستین همایش چهره‌های ماندگار به عنوان چهره ماندگار در عرصه شعر و ادب فارسی برگزیده شد. معلم که از شاعران بزرگ عرصه شعر آئینی نیز به شمار می‌رود بارها در زمینه ادبیات آئینی اظهار نظر کرده و همواره در جلسات نقد ادبی و شعر خوانی‌ها حضور داشته و به حمایت از شاعران آئینی پرداخته است. این بار تلاش کردیم با وی از زاویه متفاوتی به ادبیات آئینی نگاه کنیم و به بحث آسیب‌شناسی این نوع ادبیات بپردازیم.

آقای معلم امروزه با گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی شاهد رشد و گسترش زیادی در ادبیات آئینی بوده‌ایم به گونه‌ای که کنگره‌های متفاوتی به مناسبت‌های مذهبی مختلف برگزار و گونه‌های شعر آئینی نظیر شعر عاشورایی، علوی، فاطمی، مهدوی و... مورد بررسی قرار می‌گیرد، شاید آن چیزی که بیش از همه در این میان مهم باشد ضرورت توجه به آسیب‌شناسی در این عرصه است، شما این آسیب‌شناسی را تا چه اندازه ضروری و بایدها و نبایدهای آن را در چه می‌دانید؟

اصولاً آسیب‌شناسی در هر حوزه‌ای امری است نیکو که اگر درست و اصولی انجام شود آثار مثبت و سازنده‌ای را بر جای خواهد گذاشت. در زمینه ادبیات آئینی نیز آسیب‌شناسی نیازمندی‌های خاص خود را دارد، که مهمترین آنها گردآوری بزرگان این عرصه و هم‌فکری و طرح سلسله نظریات و مباحث است؛ اما در رابطه با پرسش شما باید بگویم امروزه گاهی

شعر آئینی باید اخلاقی باشد تا جهانی شود

الزامات شعر آئینی

دکتر سید حمید طبیبیان

نوعی از اشعار آئینی، روایتی دینی است و بیشتر شاعران آئینی، این گونه می‌سرایند که عناصر عاطفه و تخیل، کمتر در آن رخ می‌نماید و جنبه احساس بر انگیزی آن قوی‌تر است. شعر آئینی باید دلنشین باشد؛ هر چه جنبه عاطفی و تخیل آن بیشتر باشد دلنشین‌تر است. در حال حاضر شعرهای مذهبی ماصرفاً مرثیه است و شعرهای آئینی اشاره.

دعبل، کمیت و حسان شاعران مذهبی هستند. شعرشان احساس بر انگیز و محرک عواطف و احساسات مذهبی و دینی است. عاطفه از عناصر مؤثر در قوت و قدرت شعر آئینی است. عاطفه، رابطه احساس بین شاعر و ممدوحش و تمایل ذاتی بین شاعر و موضوع مورد نظرش را نشان می‌دهد؛ البته عاطفه خشک و خالی هم فایده‌ای ندارد. رابطه معنوی و روحی را اگر با صور خیال همراه کنیم و برای عاطفه تصویر سازی، شاهکار می‌شود.

مرثیه‌های عاشورایی تاج الشعرا اردبیلی برخاسته از ذوق است و هیچ تکلفی در آن دیده نمی‌شود، شعر آئینی، اگر تکلف داشته و سخت باشد، به روح و جان مخاطب نمی‌نشیند و سراییده نمی‌تواند با خواننده ارتباط برقرار کند. در نتیجه شعر، دلنشین نمی‌شود؛ حال آنکه، اگر دلنشین نباشد، نمی‌تواند تأثیر گذار باشد.

اشعار مذهبی هر ملت متعلق به آن ملت است؛ اشعار مذهبی ما متعلق به ماست و آثار و تأثیرات و لذات آن محدود و مربوط به ما می‌شود؛ اگر بخواهیم جهانی شود باید به گونه‌ای باشد که نتایج اخلاقی داشته باشد؛ زیرا اخلاق محدود به ملت خاصی نیست و همه، فضایل اخلاقی را می‌پسندند و ردای اخلاقی را نمی‌پسندند و از آن دوری می‌کنند. همین وجه اشتراک، باعث جهانی شدن شعر آئینی می‌شود.

شاهنامه فردوسی دارای اشعار حکمی و اخلاقی است؛ بنابراین می‌گوییم، حکیم ابوالقاسم فردوسی و همچنین حکیم نظامی، چون این شاعران، داستان سرایان غنایی هستند که در خلال داستان‌ها، حکمت‌ها و اخلاقیات را بیان می‌کنند.

از برخی اقدامات در این عرصه تعبیر به آسیب می‌شود که شاید چندان درست نباشد. برای نمونه گاهی دیده می‌شود که مداحان اهل بیت - علیهم السلام - به شاعر سفارش شعری براساس موسیقی و آهنگ خاصی می‌دهند و به مناسبت‌های مختلف مذهبی آن را می‌خوانند، در این بافت و ساخت هیچ اشکالی نیست، چرا که در این عرصه، هم کار نو و تازه و هم با دقایق درست‌تر انجام می‌دهند. اما محتوا مهم است و باید این جنبه مورد آسیب‌شناسی قرار بگیرد. چرا که اگر مدام از تشنگی حضرت سیدالشهدا - علیه السلام - حرف بزنیم یک نوع پایین آوردن جایگاه این امام است. پس اگر بخواهیم از شیوه‌های نو و جدید بهره ببریم باید به محتوا بیش از همیشه توجه داشته باشیم.

البته امروزه مدح مداح آدم‌هایی که دورش نشسته‌اند، مخصوصاً شور و حرارتی که نشان می‌دهند، با دیسکوهایی که آن طرف وجود دارد، شباهت‌های بیشتری دارند تا مجلسی که در گذشته به آن تعزیه گفته‌اند. در گذشته گفته‌اند:

ای تعزیه‌داران به ادب بنشینید

در تعزیه مادر حسین می‌آید

یعنی حتی بچه‌های جوان هم مجبور بودند، حد نگاه دارند و درست و با ادب بنشینند. برای اینکه چنین پنداشته می‌شد، آنجایی که عزای حسین - علیه السلام - وجود داشته باشد، لایذ مادرش (س) شرکت می‌کند و این ادب لازم به شرکت در چنین مراسمی بود. اما امروز مجالسی از این دست جایی است که یک جوان همه مستی و شور جوانی را می‌تواند آشکار کند و هر چه بیشتر و موفق‌تر، مورد عنایت بیشتر!

این شور و حرارت یک مقدار هم به قاعده دوپینگ‌های ورزشی اتفاق می‌افتد و به امام حسین (ع) هیچ نسبتی ندارد و این قصه غم‌انگیز روز است و گر نه مردمان ما خردمند بوده‌اند و می‌دانستند مسجد خانه مقدسی است.

به نظر می‌رسد که تعداد شاعرانی که بر ادبیات آئینی متمرکز هستند، اندک است. شاعران ترجیح داده‌اند در حوزه ادبیات آئینی از دور دستی بر آتش داشته باشند. بنابراین، نگاه‌ها نیز غیر تخصصی می‌شود، نظر شما در این زمینه چیست؟

در این دوره و زمانه، کسانی هستند که اختصاصاً رباعی سرا یا اختصاصاً غزل سرا هستند. اما در حوزه شعر آئینی کمتر می‌توانیم شاعرانی را مشاهده کنیم که تنها بر این کار متمرکز باشند، به هر حال قریحه‌ها یا از روی اعتقاد و ایمان است یا به صورت ذوقی و سفارشی که در هر کدام نیز نتیجه متفاوت خواهد بود.

اگر با قریحه‌هایی با پشتوانه ایمانی و اعتقادی برخورد داشته باشیم، قطعاً جنس کار و کیفیت آن متفاوت خواهد بود. گاهی نیز شاعر مداحی اهل بیت - علیهم السلام - را می‌کند و هم از ترانه‌های سبک پاپ و موسیقی و ریتم آنها استفاده می‌کند که قصدش به یادگار گذاشتن یک اثر است.

علاوه بر اینها شاعر آئینی نیازمند پشتوانه مطالعاتی عمیق است. باید هم متون دینی را مطالعه کرده و هم به تاریخ و علم حدیث و ادبیات آشنایی داشته باشد. یک شاعر آئینی باید بسیاری از مسائل

را بداند تا بتواند اطلاعاتی را که به صورت میراث به ما رسیده است، برای خود تحلیل و به‌درستی در شعرش استفاده کند.

مرحوم مطهری پس از آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی نفر دومی بود که در ایران با بسیاری از مسائلی که در ایام محرم انجام می‌دادند، مخالفت کرد و آنها را سزاوار ندانست؛ مانند حمل کردن علم و کتل و... مطهری چون نمی‌توانست سوابقی تاریخی برای این کارها بیابد، آنها را تقلیدی به حساب می‌آورد.

از طرف دیگر این قبیل عزاداری‌ها را کسانی ایجاد کردند که چندان دور از خرد هم نبودند، چرا که مخاطبانشان را جمعیتی از تماشاچیان تشکیل می‌داد که نه اهل مطالعه و تاریخ بودند و نه اهل منبر و خطابه. بنابراین، به این شیوه این افراد را گرد می‌آوردند تا از این فرصت استفاده کرده و مسائلی را برایشان طرح کنند. پس این مسئله اصالت ندارد اما یک رسالت دارد.

بنابراین در آسیب‌شناسی آئینی به‌ویژه در ادبیات آئینی باید با خرد درست وارد میدان شد و هدف را مورد بررسی قرار داد.

به نظر شما ادبیات آئینی امروز چه تفاوت‌هایی با ادبیات آئینی در گذشته پیدا کرده است و اساساً چه تفاوت‌هایی باید داشته باشد؟

امروزه جهان عوض شده و رسانه‌ها نوعی دهکده جهانی را تحقق داده‌اند. رسانه جمعی طبق تعریفی که از آن ارائه داده بودند، قرار بود دیوارهایی چون ملیت و بنیادگرایی را از میان بردارد که این اتفاق نیفتاده است. پدیده‌هایی چون رسانه و اینترنت پدیده‌های مقدسی هستند؛ به شرط این که در جهت رهایی انسان مورد استفاده قرار گیرند. امروز جهان به سمت دنیای رسانه‌ای و رایانه‌ای حرکت می‌کند و در این دنیای جدید اگر الزامات را جدی نگیریم به‌طور طبیعی عقب خواهیم افتاد. چرا که افسانه‌های پیش پا افتاده غرب به‌عالی‌ترین وجه ممکن در قالب‌های مختلف ادبی، نمایشی و مجازی به بازار عرضه و در اختیار مخاطب قرار می‌گیرند و ما هنوز راه بیان حقیقت ارجمند اسلام و شیعه و ارزش‌هایی را که می‌تواند مایه نجات انسان‌ها شود، بلد نیستیم؛ پس نباید به همان شیوه گذشته‌گان اکتفا کرده و از تجربه‌های جدید و شیوه‌های نو غافل شویم. بنابراین باید گفت نوآوری لازم به رشد ادبیات آئینی است.

بررسی وضعیت ادبیات آئینی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد، شاعران، اندکی حرکت رو به تغییر را درک کرده‌اند و در این مسیر گام برداشته‌اند.

آینده شعر آئینی در ایران را چگونه می‌بینید؟

به‌حمدالله در سال‌های اخیر شاعران جوانی گرایش به سرودن اشعار آئینی دارند که اگر از آنها حمایت‌های آموزشی و معنوی صحیحی انجام شود، آینده درخشانی را رقم خواهند زد. بعد از انقلاب اسلامی به‌ویژه در سال‌های اخیر عنایتی نسبت به مسئله قرآن و ادبیات و خصوصاً شعر و شاعری آئینی از سوی مقام معظم رهبری انجام شد و همان قدر که مسئله شعر طرح شد و حمایت و هدایت ایشان بود، رشد بیشتری هم در کنارش بود که سبب جهش و رشد این دو مقوله شد. ایشان از شعر حمایت کرده‌اند و شعر به همین دلیل، مکلف به تربیت و تعلیم با کیفیت هستند. ■

آسیب‌شناسی در هر حوزه‌ای امری است نیکو که اگر درست و اصولی انجام شود آثار مثبت و سازنده‌ای را بر جای خواهد گذاشت



شعر آیینی بهترین شکرانه قریحه شعر است

مضامین اخلاقی در شعر آیینی

■ سمیرا شاه‌قلی ■

همچنین ایشان معتقدند، اگر شعری سروده می‌شود که به یک واقعه تاریخی اشاره دارد، لازم است که بر پایه مستندات و گزاره‌های تاریخی باشد، نه اینکه به برخی نقالی‌هایی بسنده کنیم که به غلط در تاریخ آمده است. برای مثال ماجرای ازدواج حضرت قاسم (ع) در روز عاشورا چندان معتبر نیست اما در برخی نقل‌های تاریخی غیر معتبر ذکر شده است.

سومین نکته مدنظر مقام معظم رهبری تطبیق موضوعات شعری با حوادث و وقایع روز جهان اسلام است. ما در شعر آیینی امروز باید به دنبال این باشیم که حسین‌های زمان و یزیدهای زمان را معرفی و خط مشی مردم را مشخص کنیم. من فکر می‌کنم کارهای مفیدی هم تاکنون در این عرصه انجام شده و تحولاتی را شاهد بوده‌ایم، اما هنوز با منویات مقام معظم رهبری فاصله بسیار داریم و راه بسیاری در پیش داریم. باید سال‌ها تلاش کنیم تا به نکات مدنظر ایشان دست یابیم.

با توجه به اینکه شاعران دغدغه آن را دارند، چرا تاکنون در محقق شدن این منویات ناموفق بوده‌ایم؟

متأسفانه مسئولان آن طور که باید و شاید، بیانات رهبری را پیگیری نمی‌کنند. البته همه مسئولان فرمایش‌های رهبری را بر دیده می‌نهند، اما توقع بیش از این است.

من بارها خواستار تأسیس کمیته پیگیری مطالبات رهبری از شاعران شده‌ام تا سخنان حضرت آقا پیگیری شده و به مرحله جریان‌سازی و اجرایی کشانده شود. این کمیته باید موظف باشد از مسئولان بخواهد به شکل منسجم کارهای مربوطه را پیگیری کنند و هر سال یک گزارش کار به مردم و رهبری ارسال کنند.

آقای زمانی با توجه به محدودیت‌های موجود، هر سال دیده می‌شود که تعدادی از شاعران مطرح و جوان کشور در این نشست‌ها حضور پیدا می‌کنند. معیارهای انتخاب شاعران برای حضور در این نشست‌ها چیست؟

طبعاً معیار‌هایی وجود دارد و به هر حال هر انتخابی با

حجت‌الاسلام محمدجواد زمانی، متولد سال ۱۳۵۶ در شهر تهران و دارای تحصیلات حوزوی خارج فقه و اصول، کارشناسی ارشد دانشگاه ادیان و مذاهب و متخصص در ادبیات و شعر فارسی است. در چند سال اخیر از اشعار او در محافل مذهبی و عمومی استقبال شده است. زمانی به عنوان نماینده نسل جوان شاعران آئینی و انقلابی شناخته می‌شود.

با تلاش و پیگیری‌های او نشست شاعران آئینی و مذهبی با رهبر معظم انقلاب شکل گرفته است. به همین منظور درباره دیدارهای شاعران با مقام معظم رهبری، نگاه رهبری به شعر آئینی، معیارهای انتخاب شاعران و تأثیرات این نشست‌ها به گفت‌وگو نشستیم و چند و چون این نشست‌ها را بررسی کردیم.

جناب آقای زمانی با توجه به سابقه حضوری که شما در دیدارهای شاعران با مقام معظم رهبری داشتید، نظر و خواست ایشان درباره شعر آئینی چیست؟

مقام معظم رهبری همواره با نگاه عمیق و موشکافانه خود به شعر آئینی توجه داشته‌اند و بارها فرموده‌اند که شعر آئینی بهترین شکرانه قریحه شعر است و سرودن شعر آئینی بهترین شکرانه استعدادی است که خداوند به انسان داده است و چه بهتر که آن را در وصف بهترین و پاک‌ترین انسان‌ها صرف کرد.

رهبر انقلاب در نشست‌هایی که برگزار می‌شوند، رهنمودهایی را به شاعران ارائه کرده‌اند، منویات مدنظر رهبری در شعر آئینی چه بوده است و تاکنون چه قدر در محقق شدن این منویات موفق بوده‌ایم؟

از رهنمودهای مقام معظم رهبری چندین نکته را می‌توان اخذ کرد. نخست بحث آموزندگی است. ایشان معتقدند شعر آئینی محفل خوبی برای آموزش قلب‌ها است. به عبارت دیگر، نگاه ما در شعر آئینی نباید صرفاً بر اساس احساس و عواطف باشد؛ بلکه باید هدف داشته باشد یا پندآموز و اخلاقی باشد یا یک آموزه دینی را بیان کند.

این حلقه‌ها باید در مساجد و حسینیه‌ها احیا شود تا در بستر آن بتوانیم استعدادها را درخشان در عرصه ادبیات را کشف کنیم

محدودیت‌هایی همراه است؛ چرا که تعداد صندلی‌های مکان برگزاری نیز محدود است. در کشوری که ما بیش از سه هزار شاعر آئینی داریم، این معیارها سخت‌گیرانه‌تر می‌شود.

بنده از کم و کیف این معیارها مطلع نیستم؛ اما قطعاً معیارهای مختلفی وجود دارد و جلسات فراوانی برای انتخاب شاعران تشکیل می‌شود. یعنی انتخاب صرفاً یک انتخاب ظاهری نیست؛ بلکه بهترین‌ها و فعال‌ترین‌ها رصد می‌شوند.

سهم این نشست‌ها و حلقه‌ها و محیط‌های شعری را در کشف استعدادها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بخشی از این استعدادیابی‌ها وظیفه دولت است که در عرصه فرهنگ برای استعدادیابی در بین جامعه سرمایه‌گذاری کنند. بخش دیگری مربوط به عامه مردم است که از طریق انجمن‌های ادبی که از قدیم وجود داشته و به شکل مردمی اداره می‌شده این کار را انجام دهند. در واقع این کار برخی از مواقع در مساجد و حسینیه‌ها برگزار می‌شد و این مکان‌ها بستر مناسبی برای کشف این گونه استعدادهاست. به نظر من این حلقه‌ها باید در مساجد و حسینیه‌ها احیا شود تا در بستر آن بتوانیم استعدادهای درخشان در عرصه ادبیات را کشف کنیم. این نکته‌ای است که همواره رهبری نیز بر آن تأکید داشته‌اند.

البته در عرصه استعدادیابی، هم مشکلات سخت‌افزاری و هم مشکلات نرم‌افزاری وجود دارد؛ یعنی بخشی از هزینه‌ها برای حل مشکلات سخت‌افزاری و بخش دیگر هم به سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی اختصاص می‌یابد و تا زمانی که در مقوله فرهنگ با برنامه‌ریزی حرکت نکنیم هیچ‌یک از موارد مذکور محقق نخواهد شد.

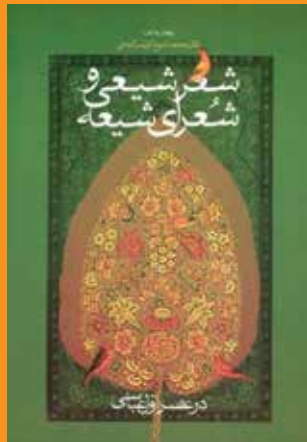
شما در سخنانتان اشاره کردید که مقام معظم رهبری بر کاربرد پند و اندرز و اخلاقیات در شعر تأکید دارند. هم‌اکنون جایگاه اخلاقیات در شعر آئینی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ما یک شعر عرفانی داریم و یک شعر اخلاقی. اگر شعر، عرفانی باشد نمادهای خاصی دارد؛ برای مثال ادبیات میخانه‌ای در آن است. یک شعر اخلاقی هم داریم مانند شعر صائب تبریزی و برخی از شعرهای سعدی که درباره مضامین اخلاقی است؛ مثلاً درباره نابود کردن رذایل اخلاقی مانند کبر، حسد، حب دنیا و... که متأسفانه در جامعه ما شعر پند و اندرز و ادبیات اخلاقی کمتر دیده می‌شود. رهبر فرزانه انقلاب هم در دیدارهایشان اشاره داشتند که شعر باید همراه با آموزش باشد و صرفاً خیال‌پردازی نباشد و در کنار خیال شاعرانه، پند و اندرز و آموزش در آن وجود داشته باشد.

برای این منظور، ابتدا باید اطلاعات شاعران از مضامین اخلاقی را زیاد کنیم؛ یعنی اطلاعات قرآنی و حدیثی شاعران را افزایش دهیم و نهایتاً یک شاعر متخلق داشته باشیم. زمانی که شاعر متخلق باشد هنر او هم با اخلاق همراه می‌شود. این در هنرش تأثیر می‌گذارد و به این ترتیب هنرش می‌تواند موجب نجات جامعه شود. اما اگر خود فرد متخلق نباشد، هنرش هم نمی‌تواند جامعه را هدایت کند.

دیدار اخیر شاعران با رهبری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جلسه بسیار خوبی بود. در کل مانند هر سال از بیانات رهبری بهره بردیم. ایشان در این نشست روی بحث غزل و شعر تغزلی تأکید ویژه داشتند. همچنین درباره اهمیت آثار پند و اندرز و این که در شعر باید حداقل یک موضوع راهگشا و فرهنگ‌آفرین وجود داشته باشد، مباحثی را بیان کردند. ■



شعر شیعی و شعرای شیعه

«شعر شیعی و شعرای شیعه» نام کتابی است که حاصل پژوهش و تألیف دکتر «محمد شیخ‌الرئیس کرمانی» است. این کتاب در پنج بخش تدوین شده است.

بخش اول درباره ادب و ادبیات و پیوند سیاست و مذهب با آن، بخش دوم درباره عصور تاریخی ادب عربی، دوره‌های عباسی، ویژگی‌های عصر اول عباسی و خدمات شعرای اهل بیت رسول‌الله (ص). بخش سوم، درباره شعر و شاعری، بخش چهارم درباره شیعه، و بخش پنجم گزیده‌ای از شعرای شیعه و شیعه‌گرا در عصر اول عباسی و نمونه آثار آنان است.

دکتر شیخ‌الرئیس کرمانی علاوه بر تحصیل صرف، نحو، معانی و بیان، کلام، فقه و اصول، منطق و بخشی از فلسفه در حوزه علمیه کرمان و نزد استادانی نظیر پدرش، مرحوم آیت‌الله علی‌الشیخ‌الرئیس و آیات عظام صالحی کرمانی، مهرابی و موحیدی و... و بهره‌مندی از محضر استادان حوزه علمیه قم در زمان زعامت آیت‌الله بروجردی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات عرب را به صورت آکادمیک اخذ و پیش از این به تدریس نهج البلاغه، ادبیات عرب و علوم بلاغی در دانشکده ادبیات و دانشکده علوم قضایی دانشگاه تهران مشغول بوده است و با عضویت در هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، نهج البلاغه، قرآن، فقه و اصول و ادبیات عرب تدریس می‌کند.

به عقیده دکتر شیخ‌الرئیس کرمانی، وجه افتراق شاعران شیعه و شیعه‌گرا این است که شاعران شیعه از نظر عقیدتی به عقاید شیعه معتقد بوده‌اند و اشعار آنان انعکاسی از عقاید قلبی آنهاست. از این نمونه می‌توان به «سید اسماعیل حمیری» و «دعبل خزاعی» اشاره کرد؛ ولی شاعران شیعه‌گرا شاعرانی بوده‌اند که به اصول و مبانی شیعه به‌ویژه در مسئله امامت معتقد نبوده‌اند و اطلاق اسم شیعه بر آنها روا نبوده؛ ولی به سبب اینکه مجذوب کمالات، علوم، فضایل و مظلومیت اهل بیت رسول‌الله (ص) شده و جفا را در حق اهل بیت رسول‌الله (ص) بر خلاف انصاف و وصیت‌های پیامبر (ص) می‌دانستند، به تمجید اهل بیت رسول‌الله (ص) از دریچه شعر می‌پرداخته‌اند و غاصبان را نکوهش می‌کرده‌اند و از این دسته می‌توان «محمد بن ادریس شافعی» و «ابونواس» را نام برد.



امروز باید به یک چشم‌انداز روشن در مورد شعر آئینی فکر کرد

الزامات بازنگری و نگاه جدید به شعر آئینی

■ سمیرا شاه‌قلی ■

قیام سیدالشهدا (ع) نیز لازم است. اما مهم‌تر از آن پرداختن به فلسفه قیام امام حسین (ع) و موضوعاتی است که به خاطرش از جان خود گذشتند. باین معنا شعر آئینی تعریفی وسیع‌تر و گسترده‌تر دارد؛ یعنی هر شعری که درباره مبارزه با ظلم و تن‌دادن به مذلت و خواری توسط مسلمین باشد، شعر آئینی به حساب می‌آید. هر شعری که در موضوع اخلاق، احترام به خانواده و ارزش‌های اخلاقی و انسانی سروده شود، شعر آئینی به حساب می‌آید.

باین تعریف بهتر است چارچوب‌های شعر آئینی را وسیع‌تر ترسیم کنیم؛ همان موضوعی که رهبر فرزانه انقلاب هم در دیدار با شاعران طی سال‌های مختلف بارها متذکر شدند و شاعران و اهالی هنر را به ضرورت پرداختن به موضوعات اخلاقی در شعر آئینی توصیه کردند.

بپذیریم که امروز موضوعات اخلاقی و توجه به موضوعات اخلاقی یک ضرورت فرهنگی برای ما به حساب می‌آید. انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی برای ما بوده و مردم برای موضوعات فرهنگی و اخلاقی مانند استقلال، آزادی و رسیدن به یک حکومت مبتنی بر ارزش‌های اسلامی قیام کردند. پس پرداختن به این موضوعات ارزشمند است و هم در حوزه شعر انقلاب و هم شعر آئینی قابل تعریف است. کسی که در جامعه فرهنگی امروز نفس کشیده باشد، متوجه ضرورت عنایت به این موضوع و حساسیت این مسئله می‌شود. اگر بخواهیم انقلاب اسلامی را تعریف کنیم و ارزش‌های مورد تأیید دین و آیین تشیع را عرضه کنیم، علاوه بر توصیف شرایط تاریخی و اظهار ارادت به بزرگان دین باید به فلسفه حیات و بعثت و امامت این بزرگان توجه شود. من فکر می‌کنم، این مسئله، امروز یک نیاز نیست و یک ضرورت است. کسی که دلش برای موضوع ولایت می‌تپد، باید برای دغدغه‌هایی که ولی جامعه دارد، به خلق اثر بپردازد.

به نظر شما در عرصه شعر آئینی تاکنون چه اندازه به این نکات توجه شده و شاعران چه قدر تلاش کرده‌اند افق دید خود را در شعر آئینی گسترش دهند؟

تلاش‌های مؤثری انجام شده است؛ اما اگر مطلوب را به صورت یک قله تصور کنیم، ما هنوز در دامنه هستیم و رضایت دادن به مسیری که پیمودیم، متوقف شدن است؛ راه زیادی تارسیدن

سال ۱۳۵۸ در شهر خمین واقع در استان مرکزی متولد شد. تحصیلات ابتدایی خود را در خمین و خوانسار گذراند و برای ادامه تحصیل در رشته‌های معارف اسلامی و مدیریت به تهران آمد. تحصیل در مقطع دکترای رشته مدیریت صنعتی، دبیر علمی جشنواره بین‌المللی شعر فجر و عضویت در شورای ادبیات انقلاب فرهنگستان زبان و ادب مهمترین فعالیت‌های ادبی و علمی فاضل نظری است. «اقلیت»، «گریه‌های امپراطور» و «آنها» نام‌های مهمترین آثار اوست.

نظری عضو شورای عالی شعر مرکزی موسیقی و سرود نیز است. متن زیر گفت‌وگویی است که درباره لزوم بازنگری و ایجاد نگاه جدید به شعر آئینی با فاضل نظری داشته‌ایم.

آقای نظری، به نظر شما ادبیات آئینی در جایگاه فعلی خود به لحاظ مفهوم، محتوا، مسیر و چشم‌انداز تا چه اندازه به بازنگری نیازمند است؟

به نظر من، زمان آن رسیده است که تعریف و بازتعریف درستی از مفهوم شهر آئینی داشته باشیم. شعر آئینی در روزگار ما باید با یک مفهوم موسع‌تر و گسترده‌تر تعریف شود و گونه‌ها و مضامین تازه‌تری را تجربه کند.

موضوع شعر آئینی در ابتدا، برای شعرهایی که در وصف، منقبت یا مرثیه ائمه اطهار و معصومین - علیهم‌السلام - سروده می‌شوند، تعریف شده است؛ ولی ما امروز باید این مفهوم را وسیع‌تر مدنظر قرار دهیم. اگر چه موضوع منقبت یا مرثیه معصومین - علیهم‌السلام - نیز یک موضوع تمام‌نشدنی است و هر چقدر هم که در این باره شاعران بنویسند و بگویند، اندک است، اما باید این مفهوم را به موضوعات دیگری هم تسری داد. در واقع کسی که برای پیامبر - صلی‌الله‌علیه و آله و سلم - شعر می‌گوید، این شعر محدود به توصیف وجود نورانی حضرت یا بیان اتفاقات و حوادث تاریخی نیست، بلکه باید به موضوعاتی که ناظر به هدف از بعثت نیز است، توجه شود.

این موضوع درباره سایر معصومین هم صدق می‌کند. یعنی اگر پیامبر فلسفه بعثت خود را اتمام مکارم اخلاق ذکر کرده است، اگر کسی برای موضوعات اخلاقی هم خلق اثر هنری کند، به نوعی به شعر آئینی پرداخته است. یا در شعر عاشورایی علاوه بر سرودن شعر درباره وجود مقدس امام حسین (ع)، برای هدف

هر شعری که درباره مبارزه با ظلم و تن‌دادن به مذلت و خواری توسط مسلمین باشد هر شعری که در موضوع اخلاق، احترام به خانواده و ارزش‌های اخلاقی و انسانی سروده شود شعر آئینی به حساب می‌آید

به سر منزل مقصود وجود دارد و من تصور می‌کنم، امروز شعر آئینی وظیفه مهمتری دارد. شاعران آئینی و شاعران انقلاب بیش و پیش از آن که بخواهند حرفی بزنند، در مقام عمل باید به آن ارزش‌ها پایبند باشند. شنیدن توصیه‌های اخلاقی، زمانی مفید است که پشتوانه عملی داشته باشد. به عبارت دیگر در کنار مطالعه، آموختن و توجه کردن به این مفاهیم، برای خلق آثار ادبی و هنری، باید در مقام عمل، اهالی هنر الگوهای موفق برای همین موضوعاتی باشند که حرفشان را می‌زنند. طبیعتاً کسی که می‌گوید، بدی بد است باید خود ابتدا دست از بدی‌ها کشیده باشد و به آن اعتقاد داشته باشد و دست از آن نادرستی‌ها کشیده باشد تا سخنش قابلیت اثرگذاری داشته باشد.

آقای نظری چنین چیزی تا حدودی ناممکن است. طبق تعاریف شما، شاعران باید انسان‌های کاملی باشند، در صورتی که ممکن است یک شاعر در راه کمال گام بردارد، اما لزوماً انسان موفق و کاملی نباشد.

این گونه نیست. اولاً، بسیاری از اهالی هنر به این فضیلت‌ها آراسته‌اند و در واقع مسیر کمال‌الزما با مقصدش تعریف نمی‌شود. رسیدن به دریا اهمیت ندارد، در رودخانه بودن اهمیت دارد. هر کسی که یک قدم برای اصلاح در وجودش بر می‌دارد، می‌تواند شعر اثرگذاری بگوید؛ از طرف دیگر وضعیت فرهنگی کشور به گونه‌ای سیاست‌زده به دنبال اهداف خود می‌رود، وقتی ما صحبت از فعالیت فرهنگی می‌کنیم، باید توجه داشت ماهیت این پدیده‌ها بلندمدت است. برنامه‌ریزان فرهنگی در یک سال بودجه‌ای را به مسائل فرهنگی اختصاص می‌دهند و انتظار دارند. در سال بعد نتایج عملی این سرمایه‌گذاری را مشاهده کنند؛ اما واقعیت این‌جاست که اگر فعالیت فرهنگی از ابتدا درست برنامه‌ریزی شود و تعریف درست و دقیقی داشته باشیم، به آلودگی‌های سیاسی دچار نمی‌شود و هم در عرصه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و هم در عرصه اجرا و بعد از آن ارزیابی، با یک فعالیت فرهنگی موفق مواجه خواهیم شد.

ماهیت هنر یک ماهیت بلندمدت است؛ یعنی اگر امروز شعری سروده می‌شود، باید در بلندمدت تأثیرگذار شود و اگر شعری هم سروده می‌شود، دل‌پیش‌نیروهای واکنش سریع نیست. کالاهای روزنامه‌ای روزمره‌اند و روزمطرح؛ شعرهایی که بر اساس تحمل و تحقیق سروده می‌شوند، به همان میزان زمان مصرفشان طولانی‌تر می‌شود، در مقابل آثاری که مقطعی و شتاب‌زده خلق می‌شوند، به همان میزان زمان استفاده از آنها کوتاه است.

به این ترتیب چه چشم‌اندازی می‌توان برای آینده شعر آئینی ترسیم کرد؟

من معتقدم، امروز باید به یک چشم‌انداز روشن در مورد شعر آئینی فکر کرد و با چنان معنای وسیعی برنامه‌ریزی کرد که بدانیم در سال‌های آینده چه اتفاقی باید بیفتد. متأسفانه برخی از اهالی هنر، به نوعی از احساس مسئولیت در برابر اجتماع دور شده‌اند و شأن هنر و شأن خود را از پرداختن به دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی روزگار بالاتر می‌دانند و برای رفع این دغدغه‌ها و مشکلات، چاره‌اندیشی و تلاش نمی‌کنند؛ در حالی که در

کشورهای دیگر این گونه نیست و برای بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و صنعتی آینده خود از ابزار هنر استفاده می‌کنند. طبیعتاً آینده مطلوب انقلاب در جهان، یک فضیلت فرهنگی و یک اتفاق فرهنگی جدی خواهد بود؛ برای این منظور اگر برنامه‌ریزی اقتصادی هم صورت بگیرد باید مبتنی بر فعالیت فرهنگی باشد.

چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی سرشار و مشحون گزاره‌های فرهنگی است و بی‌توجه به این مسائل، عملاً امکان‌پذیر نیست؛ متأسفانه ما با نسلی در این روزگار مواجه‌ایم و با شرایطی دست و پنجه نرم می‌کنیم که در آن برای فرزندانمان با پرداخت هزینه، فرهنگ غرب را خریداری می‌کنیم، ارزش‌های آنها را تجارت می‌کنیم و این ضرر دوسویه را متوجه می‌شویم. اگر برنامه‌ریزی دقیق صورت گیرد، قدم‌های موفق‌تری را بر خواهیم داشت، به شرطی که مقصد را درست بشناسیم، فاصله بین امروز و فردا زمان نیست، فاصله بین امروز و فردا تغییر است؛ اگر تغییری نباشد، زمان بی‌معناست.

ما باید به آن تغییر در عرصه فرهنگ بیاوریم و اجزا و بخش‌های معماری فرهنگ ما که یکی از مهم‌ترین بخش‌های اهالی هنر هستند، باید به این تغییر توجه کنند و هم در مقام عمل و هم در مقام آموختن مفاهیم ارزشی و اسلامی پیشرو و طلایه‌دارانی برای این تغییر باشند.

متأسفانه هنوز بسیاری از بخش‌های جامعه ما با این تغییر نه تنها خو نگرفته‌اند، بلکه ضرورتش را هم نپذیرفته‌اند. ما چگونه می‌خواهیم در سال‌های آتی به جایی برسیم که از آن آگاه نیستیم. باید این آینده برای ما ترسیم شود و در همه بخش‌ها طراحی شود. تا بتوان ارزیابی کرد که تا چه اندازه موفق بودیم. بدیهی است این ارزیابی باید در بلندمدت انجام شود و زمانی ارزشمند است که برنامه‌های ما بلندمدت باشد؛ پس شعر آئینی امروز، به عنوان یکی از بخش‌های ساختمان بلند فرهنگی باید وسیع‌تر طراحی شود و بتواند بخش عمودی خیمه شعر را بر عهده بگیرد.

شما به بازنگری در موضوع، نگاه و چارچوب شعر آئینی اشاره کردید؛ این بازبینی آیا در عرصه قالب نیز قابلیت اجرا دارد؟ یا باید گفت شعر آئینی در قالب‌های کلاسیک ارائه می‌شود؟

با توجه به کار گروهی که از قبل برای شعر آئینی تعریف شده بود و بسیاری از مداحان مورد استفاده قرار می‌دادند، بدیهی است که کار با قالب‌های کلاسیک در شعر آئینی بیشتر نمود داشت؛ البته کارهای بسیار مؤثری در عرصه شعر آئینی در قالب‌های نیمایی و سپید نیز عرضه شده است که می‌توان به «گنجشگ و جبرئیل» سپید حسن حسینی و آثار خوب سید علی موسوی گرمارودی اشاره کرد؛ بنابراین اگر توسعه مفهومی اتفاق بیفتد، در قالب و فرم اثرگذار خواهد بود. وقتی قرار است موضوع شعر آئینی به مسائل اخلاقی و اجتماعی روزگار ما هم توسعه پیدا کند، طبیعتاً قالب‌های نو کارا تر و کاربردی‌تر هستند و این تغییر به آنها هم سرایت می‌کند. این موضوع ضرورت ایجاب می‌کند که ما در مفهوم گسترده‌تر شعر آئینی، شعرهای نو بیشتری را شاهد باشیم. ■

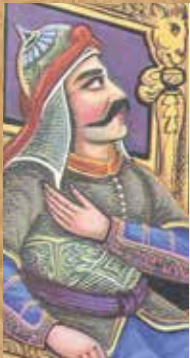
شاعران آئینی و شاعران انقلاب بیش و پیش از آن که بخواهند حرفی بزنند در مقام عمل باید به آن ارزش‌ها پایبند باشند. شنیدن توصیه‌های اخلاقی زمانی مفید است که پشتوانه عملی داشته باشد



تعزیه شهادت امام جعفر صادق (ع)

شرح مختصری درباره تعزیه

ششمین پیشوای معصوم شیعیان، حضرت امام صادق (ع)، در سال ۸۳ قمری در مدینه متولد شد و پس از امام محمد باقر (ع) به امامت رسید. آن حضرت شاهد انقراض بنی امیه و انتقال خلافت غاصبانه به بنی عباس بود. به لحاظ تغییر حکومت و اشتغال خلفای جور به مسائل سیاسی و درگیری‌های نظامی، فرصتی برای امام صادق (ع) پیش آمد که مانند پدر بزرگوارش به تعلیم و تربیت شاگردان بزرگ شیعه و سستی بپردازد. منصور دوانیقی، خلیفه عباسی، با بیم و هراس از توجه و اقبال علما و دانشمندان و عامه مردم به آن حضرت در صدد آزار و اذیت ایشان برآمد. از طرفی نیز اخبار مربوط به معجزات و کرامات امام صادق (ع)، حس حسادت او را بر می‌انگیخت. سرانجام منصور در صدد قتل امام صادق (ع) برآمد. چندین بار اقدام به این کار کرد و هر بار منجر به شکست می‌شد، لیکن سرانجام به نیت پلید خود جامه عمل پوشانید و به وسیله خرما و یا انگور زهر آلود، آن امام معصوم را مظلومانه به شهادت رسانید.



ربیع حاجب:
الای آن که بغداد از وجودت رشک بستان شد
جهان بهر بنی عباس از شادی گلستان شد
بهار خرم آل علی یکسر خزان شد
امام باقر از زهر ستم مسموم و بی جان شد
ز بیم قدرت تو دشمنان هر سو گریزانند
و گر شیر ژبان باشد ز خوف و بیم پنهان شد
بسی سادات را زیر ستون بنهادی و دیوار
یکی مقتول با خنجر، یکی در بند و زندان شد



منصور:
بیای ساقی گل چهره، هنگام بهار شد
بنی عباس را ایام پیروزی به دوران شد
جهان باشد به کام من، فلک گردیده رام من
همه مردم غلام من، مرا چون رتبه سلطان شد
خلافت چون مسلم شد به منصور دوانیقی
دگر تاراج مال مردمان امروز آسان شد
هر آن کس سیم و زر دارد به من باید که بسپارد
اطاعت هر که نماید هر که نماید به تیغ تیز بی جان شد

ربیع حاجب:
نه جای غصه بود ای امیر عباسی
که در حدیث شنیدم خلیفه ناسی
ز قول حضرت صادق درست این خبر است
به جز شما به خلافت کسی نباید دست
تمام آل علی یک به یک شهید شوند
خروج هر چه نماید نا امید شوند

منصور:
ربیع حاجب، الای مشاور دانا
دگر ز حضرت باقر نمانده خوف مرا
پس از شهادت پنجم، امام جن و بشر
رسیده ارث امامت به حضرت جعفر
کنون که صادقی آل محمد است امام
ربوده فکر قیامت ز قلب من آرام



امام صادق (ع):
بسم الله الرحمن الرحيم
در گنجینه اسرار بود بسم الله
اول و آخر هر کار بود بسم الله
شرح و تفسیر کلام الله نورانی حق
همه آیات گهر بار بود بسم الله
معنی نور علی نور، محمد و علی است
حامی عترت اطهار بود بسم الله
خون مادر ره توحید، عدو ریخت به خاک
چاره دشمن خونخوار بود بسم الله

منصور:
ربیع حاجب از این نکته شاد گردیدم
که این حدیث ز قول امام بشنیدم
کلام حضرت صادق بود کلام رسول
به وحی پیک خداوند نیست جای نکول
چو پایه‌های خلافت مراست مستحکم
بریز باده که بگذشت دور غصه و غم



امام صادق (ع):
 ابا بصیر کنون عازم به سوی منی
 بیا و قدرت حق همرهم نظاره نما
 نگر به گاو همین زن که گشته است هلاک
 نشسته با دو یتیمش کنار گاو به خاک
 کنم اشاره به اذن خدا بر این حیوان
 دوباره گاو کند زندگی به دار جهان



ابوبصیر:
 شکر لله که ز الطاف خداوند کریم
 خادم باقر و صادق شدم و یار و ندیم
 علم آموختم از مکتب باقر ز اخلاص
 لایق مذهب جعفر شدم از حیّ علیم
 آنکه امروز بود حجت حق در عالم
 صادق آل محمد بود از لطف غمیم
 ای که مصداق کلام الله ناطق هستی
 هجر و وصل تو بود دوزخ و جنت نعیم
 چه شود گر به غلامت نظری فرمایی
 تا شود دیده من باز ز اعجاز عظیم

امام صادق (ع):
 چیست ای زن علت آه و فغان؟
 صبر باید کرد در فقر و الم
 غم مخور من زنده سازم گاورا
 باز بر این گاو برگردد حیات
 نیست بهر او دگر راه نجات

پیرزن:
 ای خدا بر حال مسکینان نگر
 رحم کن بر این دو طفل بی پدر
 داشتم یک گاو از مال جهان
 روزی مای رسید از شیر آن
 گاو مُرد و روز ما تاریک شد
 زین مصیبت مرگ ما نزدیک شد

پیرزن:
 عجیب معجزه‌ای شد عیان از این مولا
 یقین که هست همین مرد، حضرت عیسی

امام صادق (ع):
 تمام قدرت عالم بود به دست اله
 ز جای خیز تو ای گاو، قم باذن الله
 (گاو زنده می‌شود و سر خود را روی پای امام می‌گذارد و امام (ع) از آن
 جامی روند.)

پیرزن:
 بر رسول و عترت از ربّ ودود
 تا قیامت باد صلوات و درود
 (صلوات)

ابوبصیر:
 نیست عیسی این سخن دیگر مگو
 صادق آل محمد باشد او



بروای محمد، عزیز پدر
 تو آل حسن کن خبر سر به سر
 محمد بن عبدالله (نفس زکیه)
 به حکم توای زاده مجتبی
 خبر سازم آل حسن از وفا
 شما ای عزیزان آل حسن
 قدم رنجه سازید در انجمن
 که عبدالله محض، آن باوقار
 کند از دل نزدتان آشکار

عبدالله محض (ع):
 دریغ از بیداد دشمن دریغ
 حسین خلقت عطشان و خونین ز تیغ
 ز اولاد سفیان و مروان زشت
 پیمبر کمان شد قدش در بهشت
 گلستان سبز حسین شد خزان
 نه سروش به جا، نی صنوبر عیان
 کنون نوبت آمد به آل حسن
 که سازند بهر قیام انجمن



عبدالله محض:
 بر تو سلام ای گل سیمین بدن
 ای حسن بن الحسن بن الحسن
 چاره منصور عنید لجوج
 نیست در این عصر به غیر از خروج
 بعد حسین در صف کرب و بلا
 آل علی گشته به غم مبتلا
 زید چو یحیی پسرش شد شهید
 نوبت سادات یکایک رسید
 جمع کنید اسلحه کارزار
 وقت قیام است در این روزگار



حسن مثَلث:
 السَّلام ای شبه روی مصطفی
 محض عبدالله، شبل مجتبی
 چیست، بر گو علت این انجمن
 ز آنچه داری در نظر بر گو سخن

عبدالله محض:
 مطلب خود نزد امام زمان
 چند مراتب بنمودم بیان
 حجت حق، صادق آل رسول
 گشت از این نیت من بس ملول
 پاسخ او هست همین یک کلام
 کشته شود هر که نماید قیام
 امر خلافت به بسی روزگار
 بر بنی عباس بود استوار

حسن مثَلث:
 ای رُخت آینه روی رسول
 حکم تو بر ما همه باشد قبول
 لیک یکی مشورت از احترام
 خدمت صادق بکن اندر قیام

(آل حسن (ع) می‌روند و مشغول جمع‌آوری اسلحه مانند شمشیر و نیزه و تیر و کمان و غیره می‌شوند.)



ابن مهاجر:
 چه فرمایی که هستم بر تو چاکر
 چه اخباری الا ای میر اشرار
 چه فکری در خیال آن امام است
 کجا بر گو بزم ای میر گمراه
 به چشم ای خانمان سوز خلاق
 کنم تقدیمش این زر را سراسر



منصور:
 بیا نزد من ای ابن مهاجر
 مرا جاسوس ها دادند اخبار
 که صادق روز و شب فکر قیام است
 ببر این کیسه‌های زر به همراه
 برو اندر مدینه نزد صادق
 بگو بهر قیام آورده‌ام زر

سلام بر تو ای عبدالله محض
 که باشد حرمت بر شیعیان فرض
 بدان قاصد سوی شیعیانم
 که کردند از یمن سویت روانم
 همه بیزار از عباسیان اند
 کسی را جز شمار هبر ندانند
 فرستادند چندین کیسه زر
 پی خروج و قیام ای میر و سرور

ابن مهاجر:
 حسب فرمان خلیفه باشتاب
 در مدینه می‌روم کآرم جواب
 ابتداء خدمت آل حسن
 روی آرم بهر تقدیم ثمن
 گر قبول از من کنند این سیم و زر
 پس خروج است آن عزیزان را به سر
 (بلافاصله)

رهبر قوم است عبدالله محض
 حرمتش آل حسن را هست فرض
 بعد از آن رو کن تو در نزد امام
 کیسه‌های زر بده با احترام
 گو که این زر هست از بهر خروج
 سرنگون سازد منصور لجوج

منصور
 گوش کن این مهاجر این کلام
 چون تو خواهی رفت در نزد امام
 ابتداء رو کن تو بر آل حسن
 گو که هستم شیعیای ز اهل یمن
 هر یکی را بدرهای از زر بده
 زر به عبدالله، افزون تر بده



ابن مهاجر:
گشت معلوم که عبدالله محض
فتنه‌ای بر پا کند در روی ارض
حال نزد جعفر صادق روم
تا که از اندیشه‌اش آگه شوم
اول ظهر است و هنگام نیاز
رفته آن سرور یقین بهر نماز
غرق در ذکر است آن نور هدی
التفاتش نیست بر غیر خدا
امام صادق (ع) در پایان نماز
السلام علیکم ورحمت الله و بر کاته
بیا نزدیک ای ابن مهاجر
که از بغداد می‌باشی مسافر



عبدالله محض:
جز اک الله ای مرد یمانی
یقینم شد یکی از شیعیانی
یقین است این زر و مال فراوان
که بر آل حسن بخشم ز احسان
چو رفتی در یمن در نزد یاران
سلام از من رسان بر دوستداران
(ابن مهاجر می‌رود.)



امام صادق (ع) در پایان نماز:
السلام علیکم ورحمت الله و بر کاته
بیا نزدیک ای ابن مهاجر
که از بغداد می‌باشی مسافر

ابن مهاجر:
من به قربانت شوم ای مقتدا
از کجا دانسته‌ای اسم مرا؟
وز کجا دانی ز بغداد آمدم؟
در شگفتی مانده‌ام سر تا قدم

ابن مهاجر:
راست فرمودی نشان سیم و زر
راز منصور دغاداری خبر
راست باشد آنچه را فرموده‌ای
گویی اندر خلوت ما بوده‌ای
من غلط کردم یا نور مبین
بخش جرمم ای امام راستین

امام صادق (ع):
هر چه در خلوت تو را منصور گفت
و آنچه بر آل حسن دستور گفت
کیسه‌های زر فرستاد و ثمن
تا کنی تقدیم بر آل حسن
بدره‌های زر فرستاد از دغل
کرده‌ای پنهان تو در جیب بغل

ابن مهاجر:
بر سر چشم ای امام انس و جان
آنچه فرمودی همان سازم بیان
(بلافاصله)
ای امیر ستمگر مغرور
بر تو بادا درود ای منصور
رفتم اندر مدینه با فرمان
نزد آل حسن به سحر بیان

رفتم اول به نزد عبدالله
کاوشبیه است بر رسول الله
کیسه‌های طلا گرفت از من
گفت بخشم همه به آل حسن

امام صادق (ع):
من تو را ای بینوا بخشیده‌ام
چون از اول نقشه‌ات فهمیده‌ام
حال ترک فتنه و بیداد کن
روی اکنون جانب بغداد کن



منصور:
نزد صادق چسان عمل کردی؟
سیم و زر را چگونه بسپردی؟

ابن مهاجر:
چون که رفتم حضور آن سرور
بود در ذکر خالق اکبر
من نشستم به گوشه‌ای پنهان
تا که برد او نماز را پایان
ناگهان بعد ذکر و بعد سلام
خواند من را به نزد خویش به نام



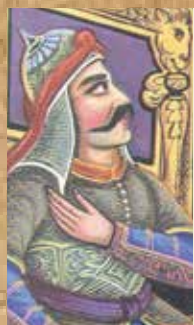
غلام:
ایا خلیفه بغداد، حضرت منصور
کنون ز شهر مدینه رسیده‌ام به حضور
نوادگان امام حسن ز خُرد و کبار
به فکر جمع سلاح‌اند و در پی پیکار
امام جعفر صادق، رئیس آل علی است
به فکر شورش و جنگ آن یگانه نور جلی است



منصور:
خاطر م جمع شد از آن مولا
تو هم این راز را ممکن افشا
لیک من خائفم ز آل حسن
ترسم آخر کنند قصدِ فتن

غلام:
به حکم حضرت منصور حاکم بغداد
امام جعفر صادق پیام از بیداد
ایا امام، روان شو به خدمت منصور
که خوانده است تو را آن خلیفه مغرور

منصور:
برو به همراه یاران، غلام بد منظر
امام جعفر صادق به نزد من آور
اگر که حرف تو گردد به نزد من اثبات
جواهرات بریزم ز فرق سر تا پات



ربیع حاجب:
بار الها چون کنم با این ستم؟
عشق صادق ریشه دارد در دلم
گر نماید حکم منصور لعین
تا بریزم خون صادق بر زمین
تیغ گر بر من دهد آن خیره‌سر
می شوم من بر خود او حمله‌ور
سر ز جسم نحس او سازم جدا
تا رضا گردد ز کارِ من خدا

منصور:
ای ربیع حاجب ای دانا وزیر
قتل صادق هست بر من ناگزیر
می‌نهم شمشیر را در زیر سر
گر به من ثابت شود صدق خبر
خود سر صادق کنم از تن جدا
چون ندارم ترس و خوفی از خدا
حفظ اندر سینه این اسرار کن
چون رسد صادق، مرا بیدار کن



منصور:
(قسمتی از شمشیر را از غلاف
می کشد ولی دستش می لرزد چون
پیغمبر را مقابل خود می بیند.)
ای به اعزاز شیعیان لایق
جعفر بن محمد صادق
شاهدی داری اندرین محفل
که دلت بر قیام شد مایل
جمع کردی سلاح جنگ و جهاد
که شوی حمله‌ور تو بر بغداد



غلام (به همراه امام صادق (ع)):
ای حاکم بغداد ز جا خیز، ز جا خیز
بر قامت من کیسه‌ای از سیم و طلا ریز
این هست همان جعفر صادق که امام است
خصم بنی عباس بود، فکر قیام است



غلام:
من شهادت می‌دهم نزد شما
آنچه گفتم راست باشد ماجرا
می‌خورم سوگند بر پروردگار
کاوست رحمان و رحیم و کردگار
جعفر صادق بود فکر قیام
این سخن باشد مرا ختم کلام



امام صادق (ع):
آنچه گفتد بر تو ای منصور
همه کذب است و از حقیقت دور
در جوانی مرا نبود خیال
تا که باشم به فکر جنگ و جدال
حال دیگر شکسته و پیرم
کی به فکر قیام و شمشیرم؟
(منصور دوباره شمشیر را تا نیمه از غلاف می‌کشد و
بار دیگر پیغمبر (ص) را از نزدیک تر خود می‌بیند که با
خشم به او نگاه می‌کند.)

غلام:
من به حول و قوه خود ملحقم
خود برون از قوت و حول حَقِّم
کآنچه گفتم راست باشد بالتمام
جعفر صادق بود فکر قیام

امام صادق (ع):
ای ستمگر ترک این بیداد کن
چون کلام من قسم را یاد کن
گو برون از قدرت و حول حَقِّم
من به حول و قوه خود ملحقم

(غلام ناگهان می‌افتد و می‌میرد.)
منصور که شمشیر را تماماً از غلاف بیرون آورده ناگهان شمشیر از دستش می‌افتد و سراسیمه در مقابل امام به زانو در می‌آید، چون یک بار دیگر
پیغمبر را با خشم بسیار مشاهده کرده و از مرگ غلام نیز کاملاً ترسیده است.



ربیع حاجب:
ایا امیر چه دیدی چنین شدی لرزان
فتاد تیغ ز دست ایا ستم بنیان؟



منصور:
ای جمالت نور سرمد الغیاث
صادق آل محمد الغیاث
عفو فرما، من نمودم اشتباه
از دروغ این غلام رو سیاه
قصر من شد از تو فردوس برین
استراحت کن ایا نور مبین



عبدالله محض:
اولاد حسن زمان جنگ است
دیگر به زمانه کار تنگ است
ما خوف ز قتل خود نداریم
آماده جنگ و کارزاریم
منصور لعین بی مروت
هرگز نرسد بر او خلافت

منصور:
سه بار تیغ کشیدم برای قتل امام
ولیک گشت پیغمبر عیان به خشم تمام
ز دیدن غضب و هیبت رسول الله
دگر ز دیدن مرگ غلام نامه سپاه
تمام نقشه من نقش آب گر دیده
بنای طاقت و صبرم خراب گر دیده



ریاح زندانبان:
آه و افسوس شدم غافلگیر
آمدند آل حسن با شمشیر
چاره‌ای نیست مرا غیر فرار
تا به منصور دهم من اخبار

محمد بن عبدالله:
آرید هجوم سوی زندان
از بهر نجات بی گناهان

ریاح زندانبان:
ایا امیر ز آل حسن امان و امان
شدند حمله‌ور از کین به جانب زندان
مدینه گشته مسخر به دست آل حسن
زدند پرچم قدرت به مکه و به یمن

محمد بن عبدالله:
زمره آل حسن از پر دلی
در شجاعت یاد آرید از علی



ریاح زندانبان:
ایا سپاه به آل حسن هجوم برید
تمام راز ره کین به قید و بند کشید

منصور:
برو به همراه لشگر، ریاچ بی ایمان
تمام آل حسن را فکن تو در زندان

ریاح زندانبان:
شما بیست تن را نباشد قرار
چگونه بجنگید با شش هزار؟
شما ای سپه جملگی با کمند
در آرید آل حسن را به بند

عبدالله محض:
شما ای دلیران دشمن شکن
به جوش است خون حسین و حسن
بتازید بر دشمن از پر دلی
بر آرید از قعر دل یا علی

حسن مثلث و بقیه:
الله اکبر یا علی

عبدالله محض (ع):
الله اکبر یا علی



منصور:
زود آور تمام آل حسن
در حضور امام صادقشان
باشد این ظلم و جور،
لایقشان
پس نمایید حضرتش
احضار
تابیند به چشم، این آزار
کنج زندان سزای شان باشد

ریاح زندانبان:
خوب در دام مآشید اسیر
می برم این خبر به نزد امیر
کنج زندان تن کنم محبوس
نیست از بهر تنان به جز
افسوس
(بلافاصله)



امام صادق (ع):
منصور چه حاجتش به دیدار من است؟
دانم به یقین به فکر آزار من است
با نام خدا روم ز منزل بیرون
از کید عدو خدا نگهدار من است

غلام:
ایا امام زمان، پیشوای کل عباد
بیا به خدمت منصور، حاکم بغداد





امام صادق (ع):
مرا بدار از این گفت و گو دگر معذور
که با تو نیست مرا مدعایی ای منصور
ز وضع آل حسن حال من دگر گون است
بده اجازه به منزل روم، دلم خون است



منصور:
خوش آمدی تو ایازاده
بشیر و نذیر
بین که آل حسن جمله
گشته اند اسیر
شده ست پیکرشان زیر
تازانه سیاه
علی الخصوص شبیه
رسول، عبدالله
دگر محمد دیباج، ماه آل



ریاح:
چيست فرمان جدیدی حاکم پر شور و شر؟
با اسیران گو چه سازم ای امیر خیره سر؟



منصور:
برو که بر تو اذیت رواندارم من
ولی ز کشتن دشمن ابا ندارم من

(همه را به زندان افکنده تازانه می زند.)
عبدالله محض و دیگران فریادمی زند
یا جدایا رسول الله یا جدایا علی
یا فاطمه الزهرا یا امام حسن مجتبی
یا ابا عبدالله آقا یا حسین

ریاح:
آنچه فرمایی نباشد اندر آن چون و چرا
دم به دم افزون کنم بر شدت جور و جفا
ای گروه یادگاران امام ممتحن
جانب بغداد رو آرید ای آل حسن
نیست غیر از ظلمت زندان، شما را
همدمی
پیکر مجروحان را نیست هرگز مرهمی

منصور
جانب بغداد در محمل شوم اکنون روان
این اسیران همهم باشند اندر کاروان
منعشان سازید در این راه از آب و غذا
پس دهید آزارشان با تازانه از جفا



(بلافاصله)
الای مهر آل الله اطهار
تو را منصور بنموده ست
احضار

ربیع حاجب:
روم من ای امیر کفر بنیاد
که صادق را بیارم من به
بغداد

به بغداد آرمش من از مدینه
کمر بر قتل او بندم ز کینه
بلی شد قتل او دیگر ضرورم
روید آرید صادق را حضورم

منصور:
مرا خوفی بزرگ اندر نهان است
هر اسم از امام شیعیان است
کسی جز من نباشد دشمن او
ندارم چاره ای جز کشتن او



عصای خویش به بالا
برم بر رمز و نشان
کنید جسم شریفش به
خاک و خون غلتان
(غلامان تعظیم کرده،
همه لنگ به کمر
می بندند و با شمشیر
و خنجر آماده حمله
می ایستند.)

منصور:
خطاب من به شما ده
نفر غلامانم
دهید گوش تمامی به
حکم و فرمانم
تمام لنگ ببندید جمله
چون سلاخ
امام جعفر صادق چو
گشت وارد کاخ



امام صادق (ع):
خدایا چون کنم با اهل کینه؟
روم من سوی بغداد از مدینه



ربیع حاجب:
مژده بادای خلیفه نور سرمد آمده
خیز از جا، صادق آل محمد آمده

(غلام ناگهان می افتد و می میرد.)
(منصور از جا برخاسته و آماده می شود، لیکن ناگهان اژدهایی وارد شده و دهانش را با خشم باز کرده به سوی منصور حرکت می کند.)



اژدها:
ای لعین بد سگال بی جا
گر بجنبی یک سر سوزن ز جا
هم تو را می بلعم و هم کاخ تو
هم هواداران چون سلاخ تو
کن تواضع ای پلید اهرمن
زود بر خاک قدومش بوسه زن



امام صادق (ع):
هر روز حيله‌ای در کار می کنی
ما را به یک طریق آزار می کنی
گفتم که نیستم هرگز پی قیام
بر فکر باطلت اصرار می کنی
بگذار تا روم من جانب وطن
گر بر محبت اقرار می کنی



منصور (به خاک می افتد):
ای نور سرمدی، مهر محمدی
تندیس احمدی، آقا خوش آمدی
مولا خوش آمدی
حفظت نموده حق، من شرّ ما خَلَق
دور از تو هر بدی، آقا خوش آمدی
مولا خوش آمدی
با عَزّ و احترام، با هیبت تمام
مهمان ما شدی، آقا خوش آمدی
مولا خوش آمدی

امام صادق (ع):
بار الها آنچه تقدیر من است
خارج از آمال و تدبیر من است
سرنوشتیم از توای دانای راز
باز گردم بار دیگر در حجاز

منصور:
مکن خیال بدای رهنمای جنّ و بشر
هر آنچه میل تو باشد همان به جا آور
برو سوار شو اینک به مرکب رهوار
به سوی شهر و وطن کن به میل خویش گذار